

Journal of Islamic Law Research

پژوهش‌نامه حقوق اسلامی

A Comparative Legal Analysis of
Banking Confidentiality under Iranian and Swiss Law

Authors: Mohammad Reza Irannejad | Farhad Parvin |
Nejad Ali Almasi

Stable URL: <https://doi.org/10.30497/law.2026.249312.3909>

مبانی و چالش‌های حقوقی حفظ رازداری نسبت به اسرار بانکی
در حقوق ایران و سوئیس

نویسندگان: محمدرضا ایران‌نژاد | فرهاد پروین | نجادعلی الماسی

پیوند دائمی: <https://doi.org/10.30497/law.2026.249312.3909>



Copyright 2026 The Author(s).

Published by *Imam Sadiq University*, Tehran, Iran.

This work is fully Open Access under the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) license, allowing non-commercial use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original published work is properly cited. *Islamic Law Research* strictly follows the ethical guidelines of the Committee on Publication Ethics (COPE), which all readers, authors, peer reviewers, and editors are expected to closely observe and uphold.

A Comparative Legal Analysis of Banking Confidentiality under Iranian and Swiss Law

Mohammad Reza Irannejad • PhD Student in Private Law, Faculty of Law and Political
Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

m_irannejad@srbiau.ac.ir

Farhad Parvin • Associate Professor, Department of Private and Economic Law, Faculty of Law
and Political Science, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

f_parvin@atu.ac.ir

Nejad Ali Almasi • Professor, Department of Private and Islamic Law, Faculty of Law and
Political Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.

nalmasi@ut.ac.ir

Abstract

Context & Objective: The commitment to banking confidentiality is a fundamental principle within the global banking industry, emphasizing the duty of banks, acting in a fiduciary capacity, to protect the financial and identity-related privacy of their clients. As drivers of economic growth and capital attraction, financial institutions must prioritize secrecy. However, modern banking ecosystems introduce significant challenges to maintaining this privacy. In jurisdictions such as Switzerland, this duty is reflected in strict legislative frameworks where even inadvertent breaches are subject to criminal sanctions. Conversely, the Iranian legal system lacks a specific, unified statute governing confidentiality and its corresponding enforcement guarantees, relying instead on scattered legal foundations. The multiplicity of state entities authorized to access client information and a lack of transparency regarding jurisdictions have historically marginalized banking secrecy in Iran. This study investigates the legal foundations, sources, and multifaceted challenges of maintaining banking secrecy through a comparative legal analysis of the Iranian and Swiss jurisdictions.

Method & Approach: The research employs a doctrinal legal methodology to analyze the statutory texts, regulatory frameworks, and legal principles governing banking confidentiality in both jurisdictions. To supplement the doctrinal analysis and consolidate practical insights, the study utilizes



structured interviews to gather the perspectives of twenty recognized subject-matter experts. This panel consists exclusively of current and former senior executives from the Central Bank of the Islamic Republic of Iran, the Iranian National Tax Administration, the General Inspection Office, the Supreme Audit Court, the broader banking network, and the Financial Intelligence Unit.

Findings: The comparative analysis reveals stark contrasts in legislative architectures. Switzerland maintains a robust legal regime rooted in its Civil Code, Penal Code, and Article 47 of the Federal Banking Act, which explicitly criminalizes breaches of banking secrecy. In contrast, Iranian jurisprudence relies on fragmented provisions, including Article 25 of the Constitution, Article 648 of the Islamic Penal Code, the Electronic Commerce Law, and the Central Bank Law. None of these provide a comprehensive framework defining banking secrecy, its scope, or precise penalties for its breach. The study identifies several primary challenges, notably the inherent conflict between individual privacy and state supervision. Additional challenges include insufficient enforcement mechanisms for unauthorized disclosures in Iran, the pressure of international sanctions and reporting obligations to international bodies, and the tension between attracting capital and meeting transparency requirements. Furthermore, systemic vulnerabilities in Iran often result in unauthorized data exposure during legally mandated disclosure procedures, risking a severe loss of public trust and subsequent economic instability. Iranian experts unanimously confirmed the inadequacy of current domestic laws, highlighting the absence of specialized criminalization.

Conclusion: While absolute banking secrecy is globally shifting toward greater transparency to combat financial crimes, limitations on this duty must strictly align with public interest without disproportionately compromising privacy. Switzerland successfully balances these competing interests, retaining its status as a global financial center by strictly limiting disclosures to specified legal and judicial exceptions. Conversely, the lack of a dedicated legal framework in Iran leads to inconsistent enforcement and arbitrary privacy breaches, facilitating capital flight and broader economic damage. To mitigate these risks, the Iranian legislature must draft and enact a comprehensive, unified statute defining the exact parameters, authorized access levels, and stringent penalties regarding banking secrecy. In the interim, incorporating explicit non-disclosure clauses into standard banking contracts is recommended as a practical safeguard against unauthorized disclosures.

Keywords: Bank Secrecy, Duty of Confidentiality, Confidentiality, Privacy.

مبانی و چالش‌های حقوقی حفظ رازداری نسبت به اسرار بانکی در حقوق ایران و سوئیس

محمدرضا ایران‌نژاد • دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه

m_irannejad@srbiau.ac.ir

آزاد اسلامی، تهران، ایران.

فرهاد پروین • دانشیار، گروه حقوق خصوصی و اقتصادی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.

f_parvin@atu.ac.ir

ایران. (نویسنده مسئول)

نجادعلی الماسی • استاد، گروه حقوق خصوصی و اسلامی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

nalmasi@ut.ac.ir

چکیده

تعهد به رازداری و حفظ اسرار بانکی به‌عنوان یکی از اصول اساسی در صنعت بانکداری دنیا، از دیرباز مورد توجه بوده است؛ به‌گونه‌ای که مهم‌ترین وظیفه بانکداران به عنوان امین، حفاظت از حریم اطلاعات هویتی و مالی مشتریان است. در واقع، بانک‌ها و مؤسسات مالی به‌عنوان موتور محرک اقتصاد و عامل مؤثر در جذب سرمایه‌ها و رشد اقتصادی هر کشور، می‌بایست بیش از هر نهاد دیگری، رازداری را در سرلوحه امور قرار دهند. اما امروزه، با پیدایش بانکداری نوین و توسعه زیست بوم بانکداری، تعهد به رازداری و رعایت حریم خصوصی اطلاعاتی مشتریان با چالش‌های متعدد مواجه است. در برخی کشورها هم‌چون سوئیس، به‌دلیل اهمیت موضوع، نقض سهوی این تعهد نیز دارای ضمانت اجرای کیفری است و به‌طور خاص، جرم‌انگاری شده است. اما در ایران، علی‌رغم وجود مبانی حقوقی و قوانین پراکنده در باب رازداری، قانون خاصی که ناظر بر این وظیفه، و ضمانت اجرای نقض آن در شبکه بانکی باشد به‌چشم نمی‌خورد. گفتنی است، سوئیس به‌دلیل پابندی به اصول رازداری و ایجاد محدودیت‌های قانونی برای افشای اطلاعات بانکی - حتی برای مقامات مالیاتی - به یکی از مهم‌ترین مراکز مالی دنیا تبدیل شده است. در ایران، به‌دلیل تعدد نهادهای قانونی مجاز برای دسترسی به اطلاعات بانکی مشتریان و فقدان شفافیت لازم در حوزه صلاحیت‌ها، اختیارات و سطوح دسترسی، همواره موضوع رازداری و حفظ اسرار بانکی به‌عنوان اصول حرفه‌ای، مغفول بوده است. محققین در این نوشتار، با بهره‌گیری از روش توصیفی تحلیلی و جمع‌بندی نظر خبرگان این حوزه از طریق مصاحبه ساختاریافته، با رویکرد تطبیقی، به بررسی موضوع می‌پردازند.

واژگان کلیدی: اسرار بانکی، تعهد به رازداری، محرمانگی، حریم خصوصی.



مقدمه

«اسرار حرفه‌ای به اطلاعات محرمانه‌ای اطلاق می‌شود که مشتریان و مراجعان به صاحبان حرف، در طول روابط حرفه‌ای برای آن‌ها فاش می‌سازند که صاحبان حرف را ملزم به رازداری می‌کند. تعهد به رازداری در این رابطه، ناشی از رابطه‌ای امانی میان طرفین است. دادگاه اروپایی حقوق بشر، در قضیه Foxley v UK (۲۰۰۱)، حفظ اسرار حرفه‌ای را به‌عنوان یکی از حقوق بنیادین بشر خوانده است که تنها در شرایط استثنایی نادیده گرفته می‌شود. حفظ اسرار حرفه‌ای مورد توجه قانون‌گذار ایران نیز بوده است» (رهبری، ۱۳۹۷، ص. ۱۶). اسرار بانکی^۱ نیز به‌عنوان یکی از انواع اسرار حرفه‌ای، اطلاعاتی محرمانه تلقی می‌شوند که مشتریان و مراجعان بانک در طول رابطه خود برای این نهاد افشا می‌سازند و بانک ملزم به حفظ محرمانگی و پرهیز از افشای این اطلاعات است (نخبة، ۱۴۰۲، ص. ۱). تعهد نهادهای مالی، مدیران و کارمندان آن‌ها به حفظ و نگهداری و خودداری از افشای اطلاعات مکسبه به‌واسطه حرفه و موقعیت شغلی، محرمانگی یا حفظ اسرار بانکی نامیده می‌شود. امروزه در موضوع اسرار بانکی، حفاظت از اسرار مشتریان، جایگزین حفاظت از اسرار بانک شده که به معنی منع افشای اطلاعات مربوط به مشتریان است. اصل حفظ محرمانگی یکی از اصول کلیدی در بانکداری است و به یک عرف اساسی در میان بانکداران تبدیل شده است؛ البته این موضوع، مطابق هنجارهای قانونی و اجتماعی و بسته به نظام‌های تقنینی کشورها، ممکن است دارای تفاوت‌هایی در مبنا و اجرا باشد. در واقع، شروع اصل رازداری بانکی، مقارن با آغاز حرفه بانکداری بوده و اساسنامه بسیاری از بانک‌های غربی، مؤید این موضوع است (خوردسندیان و فلاح‌دخت درب قلعه، ۱۳۹۶، ص. ۳۹). کشورها از حیث رعایت اصول و مقررات رازداری در یک سطح قرار ندارند، اما تقریباً هیچ کشوری را نمی‌توان نام برد که به این اصول پایبند نباشد و تنها اختلاف کشورها در میزان اعمال و رعایت این اصول است. در واقع، کشورها ضمن پایبندی به این اصول، در راستای حفظ منافع عمومی، اقتصادی و پیشبرد سیاست‌های داخلی، استثناهایی را در این خصوص وضع کرده‌اند. در کنار این استثنائات، افشای غیرمجاز اطلاعات شخصی مشتریان در همه نظام‌های حقوقی جرم‌انگاری شده است. تا پیش از

۱. این اسرار شامل اطلاعات هویتی و آدرس مشتریان و همچنین اطلاعات مالی مربوط به کسب‌وکار و دارایی‌های مشتری و حساب‌ها و تسهیلات و تعهدات و سایر روابط مشتری با بانک است.

این، سوئیس به‌عنوان مرکز بانکداری محرمانه دنیا معرفی می‌شد و دارای مزیت بزرگی در جذب سپرده‌های بانکی (از طریق حساب‌های شماره‌دار)^۱ از سراسر دنیا بود؛ به‌گونه‌ای که هیچ‌یک از مقامات داخلی و بین‌المللی اجازه دسترسی به این اطلاعات را نداشتند و این کشور به محل امنی برای نگهداری ثروت اشخاص معروف و نامدار تبدیل شده بود که اکنون این رویه تغییر کرده است (حق رضایی و همکاران، ۱۴۰۳، ص. ۸۱). رازداری بانکی، یک مزیت رقابتی مهم در رشد سوئیس به‌عنوان یک مرکز مالی بین‌المللی بوده است. مفهوم رازداری بانکی با فلسفه‌ای پشتیبانی می‌شود که برای حریم خصوصی افراد اهمیت قائل است. فلسفه حفظ حریم خصوصی مالی، پشتوانه موفقیت چشمگیر رازداری بانکی در سوئیس است. بسیاری کشورها از مفاهیم حقوقی رازداری بانکی سوئیس الهام گرفته‌اند، اما هیچ‌کدام شهرت سوئیس را در این زمینه به دست نیاورده‌اند (Chaikin, 2005, p. 90). رازداری بانکی را می‌توان تعهد یک مؤسسه مالی، کارمندان و مدیران آن به حفاظت و نگهداری اطلاعات مشتری در حین مدیریت کسب‌وکار او تعریف کرد. در سوئیس علاوه بر خود بانک، تعهد به رازداری به هر فردی که در فعالیت‌های حرفه‌ای، اطلاعات مرتبط با کسب‌وکار مشتری را تحصیل می‌کند نیز تعمیم می‌یابد. (Grassi & Calverese, 1995, pp. 333-334). همواره حفظ اسرار بانکی و تعهد به رازداری، به دلیل تعارض بین حقوق خصوصی و منافع عمومی و نیز ابهامات موجود در قوانین و مقررات، با چالش‌هایی مواجه بوده است. در ایران بر خلاف سوئیس، قانون خاصی در این زمینه به تصویب نرسیده و موضوع رازداری بانکی با چالش‌های گوناگونی مواجه بوده است. محققین با بیان مبانی، منابع و چالش‌های رازداری بانکی، به بررسی و تجزیه و تحلیل موضوع خواهند پرداخت.

۱. مبانی و منابع حقوقی رازداری و حفظ اسرار بانکی

اشخاص، حق اساسی بر اطلاعات مربوط به خود دارند که به آن‌ها اجازه نظارت بر انتقال یا استفاده و جلوگیری از افشای غیرمجاز آن‌ها را می‌دهد. لذا چنانچه دیگران بتوانند این اطلاعات را که شامل اسرار تجاری نیز می‌شود، به بهانه آزادی اطلاعات به دست آورند، به معنی نادیده

۱. این حساب‌ها به درخواست مشتریان خاص (اشخاص معروف سیاسی، ورزشی و...) افتتاح و به‌جای نام و نام خانوادگی با شماره یا کد مخصوصی مشخص می‌شوند و پرسنل محدودی در بانک از ماهیت صاحب آن آگاهی دارند.

گرفتن این حق بنیادین است. حمایت از اسرار تجاری، مانعی برای توسعه اطلاعات ارزشمند نیست؛ زیرا در جمع میان حقوق دارنده راز و حقوق سایر اشخاص، دستیابی به اسرار تجاری از طرق قانونی پذیرفته شده است که به وسعت قلمرو اطلاعات می‌افزاید. علاوه‌براین، برخی از مصادیق اسرار تجاری^۱، مال به حساب می‌آیند که نادیده گرفتن سایه حمایتی قانون و اجازه دسترسی آزاد به آن‌ها، به‌منزله صدور جواز تجاوز به حقوق مالکیت و به بیان دیگر، اتلاف اموال دیگران است. احترام به قرارداد و روابط امانی، رعایت قواعد انصاف و منع دارا شدن بلاجهت نیز اگرچه کمتر مورد استناد قرار می‌گیرند، به‌عنوان مبانی و دلایل توجیه حمایت از اسرار تجاری مطرح شده‌اند (رهبری، ۱۳۹۷، صص. ۱۳۹-۱۴۰). در واقع، اساس حمایت از اسرار تجاری، وفاداری به تعهدات قراردادی و موقعیت‌های امانی است. زمانی که شخصی (مانند کارمند یا شریک تجاری) با امضای قرارداد محرمانگی یا به‌موجب رابطه مبتنی بر اعتماد، به راز تجاری دسترسی می‌یابد، نقض این اعتماد و افشای اطلاعات، نقض صریح تعهد و عهدشکنی محسوب می‌شود. از سوی دیگر، حمایت از اسرار تجاری، جلوه‌ای دیگر از اجرای قاعده انصاف در رقابت تجاری است. این قاعده ایجاب می‌کند که فعالان اقتصادی از روش‌های نادرست و مغایر با اصول اخلاق تجاری برای کسب یا افشای اطلاعات محرمانه رقبا استفاده نکنند. همچنین، طبق قاعده منع دارا شدن بلاجهت، اشخاص از انتفاع ناشی از زحمات و سرمایه‌های دیگری بدون ارائه عوض و از طریق نامشروع منع می‌شوند. براین‌اساس، صاحبان راز و اسرار تجاری (مانند بانک‌ها و مؤسسات مالی) باید با رعایت اصول محرمانگی و رازداری، از بهره‌برداری اطلاعات مشتریان به نفع خود یا دیگری خودداری کنند و مانع افشای غیرمجاز این اطلاعات شوند.

منظور از حریم خصوصی اطلاعات، حق اولیه افراد در محرمانه ماندن اطلاعات و داده‌های شخصی از هرگونه تحصیل، پردازش، انتشار و به‌طورکلی، مداخله دیگران بدون اجازه آن‌ها یا مجوز قانونی است (محسنی، ۱۳۹۴، ص. ۵۶). به عبارتی، اهمیت اسرار تجاری^۲ در محرمانه بودن

۱. برای مثال، طرح کسب‌وکار یک مشتری بانکی حاوی فرمول‌ها و ایده‌های تجاری منحصربه‌فرد که در اختیار یک بانک به‌منظور ارزیابی اعتباری قرار می‌گیرد، می‌تواند از حمایت قانونی خاص برخوردار باشد که باید علاوه‌بر وظیفه محرمانگی بانکی، مورد توجه ویژه بانکداران واقع شود.

۲. اطلاعات در اختیار بانک‌ها و مؤسسات مالی نیز مصداق اسرار تجاری هستند.

آن‌هاست و در صورتی که قید محرمانه از این‌گونه اطلاعات برداشته شود و در دسترس دیگران قرار گیرند، ارزش مالی خود را از دست خواهند داد. لذا حمایت قانونی نه از خود اطلاعات، بلکه از محرمانه بودن آن‌ها به عمل می‌آید. بدین ترتیب، اشخاص دیگر اعم از رقبای مستخدمان شخصی که این اطلاعات را در اختیار دارند، حق ندارند با شیوه‌های متقلبانه و برخلاف رسم امانت‌داری، آن‌ها را مورد استفاده قرار دهند (خدمتگزار، ۱۳۹۱، ص. ۱۹۷). بدیهی است اسرار بانکی و اطلاعات هویتی و مالی مشتریان نیز مشمول قاعده حمایت از اسرار تجاری و مستلزم حمایت و خودداری از افشای غیرمجاز است. همواره بانک به عنوان یک نهاد امین، نقش جذب سرمایه‌های مالی جامعه و هدایت آن به سمت فعالیت‌های اقتصادی مولد را بر عهده داشته است. بدون شک، انجام چنین وظیفه‌ای مستلزم رعایت اصول رازداری و محرمانگی و جلب اعتماد عموم است. از سوی دیگر، رشد اقتصادی و توسعه کشورها مدیون عملکرد صحیح نظام بانکی و جذب و هدایت سرمایه‌های سرگردان افراد جامعه است. بنابراین، جذب سرمایه‌های مالی با هدف دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی، از دیدگاه حقوق اقتصادی و عرف بانکداری، از مهم‌ترین مبانی رازداری بانکی در دنیا محسوب می‌شود؛ زیرا صاحبان وجوه و فعالین اقتصادی، وجوه متعلق به خود را در مکانی امن و مقید به اصول محرمانگی سپرده‌گذاری می‌کنند.

از منظر تاریخی، وظیفه محرمانگی و رازداری به عنوان یک تعهد اخلاقی و نه یک تعهد قانونی، مبنای عمل بانکداران بوده است. بانک به عنوان امین مشتری باید در قبال مشتریان خود، مسئولانه عمل و از منافع و اسرار آن‌ها حفاظت کند (Dai, 2021, p. 78). حقوق قراردادهای مهم‌ترین منبع برای وظیفه رازداری بانکی در حقوق خصوصی است. در مواردی که شرطی صریح در قرارداد بین بانک و مشتری مبنی بر الزام بانک به عدم افشای اطلاعات مشتری وجود دارد، ناشی از نگرانی طرفین برای حفاظت از حریم خصوصی به ویژه از جانب مشتری است. در بسیاری از کشورها هنگامی که قرارداد در مورد وظیفه رازداری بانک ساکت است، به صورت یک وظیفه ضمنی قلمداد می‌شود. رویکرد وظیفه ضمنی قراردادی در کشورهای دارای حقوق نوشته و حقوق عرفی مورد استفاده قرار می‌گیرد، اما به نظر می‌رسد تحلیل حقوق عرفی توسعه یافته‌تر است و به طور مداوم در حوزه‌های قضایی مختلف برای نشان دادن ارتباط موضوع با مفهوم حریم خصوصی مورد استفاده قرار می‌گیرد (Dora, 2017, p. 9). عصاره عقاید حقوق دانان در سراسر دنیا برای حمایت از اصل

رازداری بانکی، در چهار نظریه عدم تعرض به حریم خصوصی، حسن نیت، انصاف و حمایت از اخلاق حرفه‌ای بروز و ظهور می‌یابد. حسن نیت یکی از اصول حقوق قراردادهای و در برخی نظام‌های حقوقی، یک قاعده لازم‌الرعايه در مراحل انعقاد، اجرا و تفسیر قراردادهاست. مطابق این اصل، چنانچه اطلاعات هریک از طرفین، متضمن ویژگی محرمانگی باشد یا به هر دلیلی محترم و باارزش باشد، طرف دیگر، اجازه افشا یا بهره‌برداری شخصی را نخواهد داشت. لازم به ذکر است این اصل در کنار تأکید بر وظیفه رازداری، به تحدید آن در مواردی مانند مبارزه با پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم نیز پرداخته است. قاعده انصاف نیز در حقوق انگلستان که دادگاه‌های انصاف نقش مهمی ایفا می‌کردند، حکم‌فرما بود. به موجب این قاعده، اشخاص ملزم به حفظ اطلاعات مکسبه بر اساس روابط قراردادی یا غیرقراردادی شکل‌گرفته بر مبنای اعتماد متقابل بودند (خورسندیان و فلاح‌دخت درب قلعه، ۱۳۹۶، صص. ۲-۴۱). رازداری بانکی، وظیفه بانکدار و حق مشتری است. در نتیجه، تنها آن دسته از حقایق مربوط به رابطه مشتری و بانک که دانش عمومی محسوب می‌شوند (مانند انتشار در رسانه‌ها و...)، به عنوان راز تلقی نمی‌شوند. در واقع، برای اینکه رازداری بانکی مؤثر باشد، باید تمام فعالیت‌های دارای ماهیت بانکی به‌ویژه وجود رابطه فی‌مابین بانک و مشتریان، اطلاعات ارائه‌شده توسط مشتریان در مورد وضعیت مالی خود، روابط آن‌ها با سایر بانک‌ها و حتی اطلاعات دریافتی مربوط به معاملات انجام‌شده توسط اشخاص ثالث در سایر بانک‌ها را پوشش دهد (Dunant & Wassmer, 1988, p. 541). عدم تعرض به حریم خصوصی اشخاص و حمایت از اخلاق حرفه‌ای نیز اصول شناخته‌شده و محترم در تمام نظام‌های حقوقی است. لذا با بهره‌گیری از این اصول و نظریات می‌توان دلایل منطقی برای وظیفه رازداری در شبکه بانکی ارائه کرد. در همین راستا می‌توان از ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ مجمع عمومی سازمان ملل متحد بهره جست. این ماده اشعار می‌دارد «هیچ احدی نباید در قلمرو خصوصی، خانواده، محل زندگی یا مکاتبات شخصی، تحت مداخله [و مزاحمت] خودسرانه قرار گیرد. به همین سیاق، شرافت و آبروی هیچ‌کس نباید مورد تعرض قرار گیرد. هرکسی سزاوار و محق به حفاظت قضایی و قانونی در برابر چنین مداخلات و تعرضاتی است».

همچنین ماده ۱۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد که شباهت زیادی به اعلامیه فوق‌الاشاره دارد، اشعار می‌دارد «۱.

هیچ‌کس نباید در زندگی خصوصی و خانواده و اقامتگاه یا مکاتبات، مورد مداخله خودسرانه (بدون مجوز) یا خلاف قانون قرار گیرد و همچنین، شرافت و حیثیت او نباید مورد تعرض غیرقانونی واقع شود. ۲. هرکس حق دارد در مقابل این‌گونه مداخلات یا تعرض‌ها از حمایت قانون برخوردار شود». بدون تردید اطلاعات بانکی اشخاص در محدوده قلمرو اطلاعات خصوصی آن‌ها و مشمول این مواد است. لذا می‌توان دو ماده مورد اشاره را از منابع مهم حقوقی لزوم حفاظت از اطلاعات شخصی شامل اطلاعات بانکی دانست. در قانون اساسی ایران برخلاف قانون اساسی کشورهایی که به‌طور مشخص در قالب اصل یا اصولی از حریم خصوصی حمایت شده است، متن خاصی دیده نمی‌شود و صرفاً در اصل ۲۵، هرگونه تجسس مگر به‌موجب قانون منع شده است. با عنایت به مفهوم تجسس و احراز آن می‌توان بسیاری از موارد نقض حریم خصوصی از جمله دسترسی به اطلاعات مالی اشخاص بدون اجازه آنان را از مصادیق تجسس دانست و حکم به ممنوعیت آن داد (قنبری و همکاران، ۱۴۰۲، ص. ۲۰۱). وجود مبانی عرفی و حقوقی برای اصل رازداری بانکی، امری انکارناپذیر است، اما با توجه به نوع ساختار حقوقی و اقتصادی کشورها، مبانی حقوقی را گاه باید در قوانین و مقررات عمومی یا حقوق قراردادها جست‌وجو کرد. در سوئیس، در قانون حفاظت از داده‌ها و همچنین، قانون بانکداری فدرال به‌عنوان قوانین خاص، به این موضوع پرداخته شده است، اما قانون‌گذار ایران، بحث رازداری و حفظ اسرار بانکی را در قوانین بانکی به‌صراحت نگنجانده است.

۱.۱. سوئیس

در نقد رازداری بانکی، مسئله مبنای آن نقش مهمی ایفا می‌کند. در واقع از اواخر دهه ۶۰، بانک‌های سوئیسی این عقیده را مطرح کردند که قانون رازداری بانکی به‌منظور حمایت از قربانیان آزار و اذیت نازی‌ها معرفی شده است. این عقیده حتی در گزارش شورای فدرال که به آن وجهت رسمی می‌داد، گنجانده شده بود (Guex, 2000, p. 265). یک تصور اشتباه رایج در خصوص منشأ رازداری بانکی در سوئیس حاکم است. این موضوع به قوانینی که در سال ۱۹۳۳ در آلمان نازی به تصویب رسیده بود، برمی‌گردد که ساکنان داخلی را مجبور به افشای همه دارایی‌های خارجی آن‌ها می‌کرد و امکان مصادره دارایی‌های ساکنین یهودی را که در خارج نگهداری می‌شد، توسط رژیم فراهم می‌کرد. قانون اسرار بانکی ظاهراً به‌منظور محافظت از پول یهودیان که در نتیجه فرار

سرمایه از آلمان نازی در بانک‌های سوئیس سپرده شده بود، معرفی شد. این تصور غلط توسط خود بانک‌های سوئیس در دهه ۱۹۶۰ ساخته و رسماً توسط شورای فدرال سوئیس در سال ۱۹۷۰ تأیید شد. این موضوع هنوز در جامعه سوئیس در هر دوی نشریات علمی و مردمی رایج است. رولف اچ وبر^۱ در مقاله خود در سال ۲۰۰۲ که توسط انجمن وکلای آمریکا منتشر شد، به‌طور صریح همین دلیل را برای مقررات رازداری بانکی در قانون بانکداری ۱۹۳۴ سوئیس بیان می‌کند. نیروی محرکه معرفی قانون ۱۹۳۴، ظهور قدرت هیتلر و مقررات نازی که سال پیش از آن در آلمان معرفی شده بود، نبود، اما بحران مالی جهانی در اوایل دهه ۱۹۳۰ و پیامدهای آن برای سیستم بانکی سوئیس در این زمینه نقش داشت. با وجود تغییر ساختار بخش بانکی، مقامات سوئیسی تحت فشار طبقه متوسط و اتحادیه قدرتمند کشاورزان سوئیس برای یک قانون بانکداری جدید، برنامه‌ریزی کردند که شامل مقررات مربوط به نظارت کلی بر نظام مالی می‌شد. در ازای تأیید مفهوم نظارت بانکی، بانکداران سوئیسی خواستار اعمال محدودیت‌های قانونی صریح با لحاظ رازداری بانکی در قانون جدید به‌منظور حفاظت از حریم خصوصی و منع دسترسی به اطلاعات حساب اشخاص (حتی برای مقامات رسمی فدرال) شدند. بانکداران از این ترس داشتند که تضعیف مقررات رازداری بانکی از طریق اجازه بازرسی اطلاعات مشتری، موجب خروج سپرده‌های سوئیس و سپرده‌های خارجی و در نتیجه، خروج سرمایه در مقیاس وسیع‌تری شود (Pruska, 2015, pp. 42-44). اگرچه دلایل رقابت اقتصادی، یک دلیل اصلی برای رازداری بانکی در سوئیس محسوب می‌شود، ایده حریم خصوصی مالی، ریشه‌های فرهنگی و تاریخی عمیق‌تری در سوئیس دارد. حریم خصوصی یک اصل اساسی در سیستم حقوقی سوئیس است. مفهوم حریم خصوصی مالی را می‌توان در قوانین مدنی حاکمیت‌هایی که اکنون بخشی از آلمان و مناطق شهری شمال ایتالیا هستند، ردیابی کرد. در طیف وسیعی از قوانین مؤثر بر حفاظت از داده‌ها، رازداری حرفه‌ای و رازداری بانکی منعکس شده است (Chaikin, 2005, p. 94). در واقع، رازداری بانکی به معنی محافظت از فعالیت‌های غیرقانونی نبود، بلکه برعکس، برای حفظ آزادی‌های شخصی اعمال می‌شد. این موضع به‌طور واضح توسط شورای فدرال، هنگامی که نسخه جدیدی از قانون

1. Rolf H Weber

بانکداری را در سال ۱۹۷۰ به پارلمان سوئیس ارائه داد، مجدد تأیید شد (Dunant & Wassmer, 1988, p. 541).

تعهد به رعایت محرمانگی حساب مشتریان توسط بانک‌های سوئیسی از سه اصل حقوقی ناشی می‌شود؛ حق مدنی حفظ حریم خصوصی، رابطه قراردادی فی‌مابین مشتری و بانک و مقررات قانونی خاص حاکم بر رازداری بانکی. به علاوه، مجازات اداری و کیفری برای نقض رازداری بانکی اعمال می‌شود. در مواردی که به طور خاص در قانون اشاره نشده است، مشتری می‌تواند بانکدار را به طور صریح از تعهد به رازداری معاف کند. هنگامی که قانون مجازات فدرال، پس از قانون بانکداری (۱۹۳۷) تصویب شد، تشخیص داده شد که ماده مربوط به رازداری بانکی، در خود قانون بانکداری باشد. با این حال، مقررات عمومی قانون مجازات در مورد نقض اسرار بانکی اعمال می‌شود. علاوه بر این، ماده ۲۷۳ قانون مجازات سوئیس، اقدامات جاسوسی اقتصادی توسط هر شخصی را ممنوع می‌داند و این حکم در مورد بانکداران نیز ممکن است اعمال شود. ضمناً، ماده ۱۶۲ قانون مجازات، هرکسی را که اسرار کسب و کار را فاش کند و هرکسی را که از چنین افشاگری‌ای سود برده باشد، مشمول مجازات می‌داند. کمیسیون بانکی سوئیس^۱ این اختیار را دارد که مجوز بانک برای نقض جدی تکالیف و تعهدات قانونی را لغو کند. رازداری بانکی به عنوان یکی از مهم‌ترین این تعهدات است و کمیسیون بانکی می‌تواند از ادامه عملیات هر بانکی که در سوئیس فعالیت می‌کند، در صورت عدم رعایت محرمانگی امور مشتریان، جلوگیری کند. بانک‌های خارجی که در سوئیس فعالیت می‌کنند، مشمول مقررات مشابه بانک‌های سوئیس هستند. یک بانک خارجی ممکن است یک شرکت تابعه ثبت شده به عنوان یک شرکت سوئیسی یا یک شعبه فاقد شخصیت حقوقی مستقل باشد. زمانی که هر دو نهاد به طور کامل مشمول مقررات رازداری بانکی سوئیس هستند، یک بانک مادر خارجی به طور قانونی، حق بررسی فعالیت‌های مؤسسات وابسته سوئیسی خود را دارد. به عنوان یک تعارض که ممکن است به طور واضح بین الزامات قوانین رازداری بانکی سوئیس و منافع اقتصادی یک بانک مادر خارجی بروز کند، قدرت بررسی و بازرسی بانک مادر است که یک پرسش ظریف در رابطه با حدود رازداری بانکی در ذهن

1. Swiss Federal Banking Commission

ایجاد می‌کند. باین‌حال، هنوز هیچ نمونه‌ای از چنین تعارضی در محاکم مطرح نشده است. همه افرادی که توسط شرکت تابعه بانک مادر در سوئیس استخدام می‌شوند، به موجب قانون، موظف به عدم افشای هر نوع اطلاعات مرتبط با مشتریان به بانک مادر یا حساب‌برسان و مقامات خارجی هستند. اگرچه با انتصاب کارشناسان بانک مادر در هیئت‌مدیره شرکت تابعه، ممکن است شرکت مادر به طور غیرمستقیم در موقعیتی قرار گیرد که اطلاعات مربوط به عملیات یا هویت مشتریان شرکت فرعی را تحصیل کند، اما این اعضای هیئت‌مدیره، مشمول ماده ۴۷ قانون بانکداری هستند و از انتقال اطلاعات خاص به بانک مادر ممنوع‌اند. برای مثال، یک مدیر در هیئت‌مدیره هر دو شرکت مادر و تابعه، ممکن است از ورشکستگی شخصی که شرکت فرعی به او پیشنهاد عملیات بانکی می‌دهد یا بدهی عمده وی به شخص ثالثی مطلع باشد. در چنین موردی، آیا مسئولیت او به عنوان مدیر برای مخالفت با عملیات پیشنهادی و توضیح دلایل آن محرز نیست؟ باین‌حال، دلایل مخالفت او به منزله افشای غیرقانونی اطلاعات بانکی بر اساس ماده ۴۷ قانون یادشده است. از طریق توافق با هیئت‌مدیره شرکت تابعه، حساب‌برسان بانک خارجی مادر، اجازه حسابرسی شرکت تابعه را کسب می‌کنند. باین‌حال، مدیریت شرکت فرعی تنها مجاز به ارائه اطلاعات کلی که نقض اسرار بانکی محسوب نمی‌شود، است. چنانچه به منظور یک حسابرسی کامل، بانک مادر بخواهد به هویت مشتریان دست یابد، حساب‌برسان ممکن است به عنوان نمایندگان منصوب شرکت تابعه سوئیسی معرفی شوند. بنابراین، حساب‌برسان مجاز به دریافت جزئیات کامل هستند، اما ممکن است اطلاعات سری مانند هویت مشتریان را برای بانک مادر خارجی فاش نکنند (Aubert, 1984, pp. 273-277). لذا همان‌طور که شرح داده شد، بانک‌های خارجی یا هلدینگ‌های تخصصی که در سوئیس شعبه یا بانک دارند، مکلف به رعایت قوانین و مقررات مرتبط با رازداری هستند و باید جز در موارد قانونی و مجاز، از افشای اسرار مشتریان حتی برای شرکت مادر خودداری کنند.

۱.۱.۱. مرور قوانین سوئیس

قانون اساسی سوئیس، حفظ حریم خصوصی اشخاص را مورد توجه قرار می‌دهد. لذا در خصوص محرمانگی بانکی و حفظ اسرار بانکی، اشاره‌ای مستقیم ندارد و این موضوع در قوانین مدنی و کیفری سوئیس گنجانده شده است. اصول ۱۳، ۲۷ و ۹۴ قانون اساسی این کشور به موضوع حریم خصوصی اطلاعاتی در زندگی شخصی و فعالیت‌های خصوصی و اقتصادی اشاره دارد. ماده ۳۲۱

قانون تعهدات تجاری این کشور مصوب ۱۸۸۱ در خصوص وظیفه رازداری اشعار می‌دارد «در طول مدت رابطه کاری، کارمند نباید از اطلاعات محرمانه بهره‌برداری کند یا آن‌ها را افشا کند. او حتی پس از پایان رابطه استخدامی تا حدی که برای حفظ منافع قانونی مشتری لازم است، به این وظیفه باید پایبند بماند»^۱.

اصل محرمانگی در سوئیس، تنها محدود به اطلاعات زمان ارتباط مشتری با بانک نیست و اطلاعات زمان قبل از ارتباط مشتری با بانک را نیز شامل می‌شود. در این نظام، مذاکرات اولیه نیز محترم شمرده می‌شود؛ به گونه‌ای که در صورت انصراف از ادامه همکاری بین مشتری و بانک، اصل رازداری و امانت‌داری باید از سوی بانک رعایت شود (نخبه، ۱۴۰۲، ص. ۶). به موجب قانون مدنی مصوب ۱۹۰۷، در برخی از ایالت‌ها، بانک‌ها از شهادت علیه مشتریان در روند رسیدگی‌های قضایی منع شده‌اند و هر فردی در موضوع سوابق شخصی و پیشینه اقتصادی خود از حق حفظ حریم خصوصی برخوردار است. همچنین، ماده ۲۸ این قانون اشعار می‌دارد «هر شخصی که حقوق او به طور غیرقانونی نقض شده است، می‌تواند از دادگاه در برابر همه کسانی که موجب نقض شده‌اند، تقاضای رسیدگی کند»^۲. قانون بانکی فدرال مصوب ۱۹۳۴، برای اولین بار در این کشور^۳ به عنوان یک قانون خاص، نقض اسرار بانکی را جرم‌انگاری کرده است. به موجب ماده ۴۷ این قانون، مدیران، مقامات، کارمندان، حساب‌رسان بانک، دستیاران امر حسابرسی و کارمندان کمیسیون بانکی از افشای اطلاعات خصوصی که به بانک سپرده شده است، منع شده‌اند. افشای اسرار بانکی، مجازات حبس تا سه سال یا جریمه نقدی تا ۲۵۰ هزار فرانک به همراه خواهد داشت.

ماده ۱۶۲ قانون مجازات سوئیس مصوب ۱۹۳۷، برای افشای غیرقانونی اسرار تولیدی یا

۱. بدیهی است این حکم قانونی در خصوص کارمندان بانک نیز قابل تسری است.

۲. به موجب این ماده قانونی، مشتریان بانکی حق طرح دعوی علیه بانک یا پرسنل آن را به موجب نقض حریم خصوصی اطلاعاتی خواهند داشت.

۳. هدف اصلی قانون بانکی سوئیس، حفاظت از سپرده‌گذار و دیگر بستانکاران بانک است. بخش مهمی از ضمانت اجرای این قانون، در ماده ۴۷ به نقض روابط محرمانه اشاره دارد (Meier, 1973, p. 18).

تجاری، مجازات بیش از سه سال حبس یا مجازات نقدی را تعیین کرده است. ماده ۳۲۱ این قانون، بانک‌ها را هم‌راستا با مشاغلی مانند روحانیت، وکالت، دفاتر اسناد رسمی، پزشکی، دندان‌پزشکی، داروسازی و مامایی می‌پندارد و تقصیر در انتشار اطلاعات محرمانه مشتریان را موجب مسئولیت کیفری می‌داند. همچنین، ماده ۱۵۸ این قانون، سوءمدیریت اموال و سوءاستفاده از اختیاراتی را که موجب ضرر مالی مشتری می‌شود، جرم می‌پندارد.

روی کاغذ، قوانین اسرار بانکی سایر کشورها هم‌اندازه قوانین سوئیس یا حتی سخت‌گیرانه‌تر بوده است. تنها تفاوت در توانایی دولت سوئیس برای عمل به وعده‌های قانونی خود برای حفظ محرمانگی اطلاعات مشتریان است. قانون اساسی سوئیس، حقوق افراد جامعه را برای حفظ حریم خصوصی تضمین کرده، اما محرمانه بودن تمام اطلاعات شخصی مشتریان در بانک‌ها را تضمین نکرده است. در واقع، محرمانگی بانکی یک حق اعطاشده به موجب قوانین مدنی، تجاری، کیفری و بانکی سوئیس است. نکته بعدی اینکه، سوئیس قوانین محرمانگی اطلاعات بانکی را برای جلوگیری از جریان آزاد اطلاعات مالی تصویب نکرده است. فرض بر این است که افراد دارای حقوق انحصاری برای اطلاعات شخصی خود هستند و انتشار آن تنها در مواردی توسط بانک‌ها به موجب قانون یا رویه‌های رسمی قضایی مجاز است. نکته دیگر اینکه، حساب‌های شماره‌دار در نظام بانکداری سوئیس هیچ‌کدام ناشناس نیستند و به جای مشخصات مالک حساب، با شماره یا کد مخصوص نام‌گذاری می‌شوند. در واقع، برای افتتاح حساب بانکی در سوئیس، سپرده‌گذار باید مدرک هویتی معتبر ارائه دهد و احراز هویت کامل شود. حساب شماره‌دار چیزی نیست جز یک حساب بانکی معمولی که نام مالک آن برای تعداد محدودی از کارمندان بانک شناخته شده است. این حساب‌ها عمدتاً برای محافظت از حریم خصوصی افراد شناخته‌شده مانند ورزشکاران و سیاست‌مداران کاربرد دارد. نکته بعدی اینکه، انعطاف و اصلاحات جدید قوانین محرمانگی بانک سوئیس صرفاً بر محرمانگی اطلاعات مهاجران تأثیر گذاشته و حمایت از محرمانگی اطلاعات شهروندان سوئیسی تا حد زیادی به قوت خود باقی مانده است. نکته آخر اینکه، قوانین سوئیس، حقوق ماهوی و رویه‌ای را برای حفظ حریم خصوصی افراد فراهم می‌کند. حقوق ماهوی منعکس‌کننده محتوای قوانین داخلی سوئیس و معاهدات بین‌المللی در مورد اصول اساسی مانند مالکیت، خانواده، مذهب، شغل و حفاظت از اطلاعات محرمانه است. حقوق رویه‌ای نیز در فرایند مبادله اطلاعات موضوعیت دارد و منعکس‌کننده حق افراد برای مطلع شدن، مشارکت و همچنین،

اعتراض به افشاگری اطلاعات و فرایند تجدیدنظر در تصمیمات است (الهیاری فرد و قلیچ، ۱۴۰۳، صص. ۲-۴).

قانون مدنی سوئیس، وظیفه محرمانگی بانک‌ها را به‌طور کلی پیش‌بینی کرده و حفاظت از اسرار بانکی به‌طور مستقیم در این قانون اشاره نشده است، اما از تفسیر ماده ۲۸ آن قابل استنباط است. ماده ۲۸، یک تعهد کلی برای عدم مداخله در زندگی خصوصی دیگران پیش‌بینی کرده است. آن‌طور که توسط دادگاه عالی سوئیس تفسیر شده است، حق بر حریم خصوصی شامل همه اطلاعات مرتبط با زندگی خصوصی افراد است که شامل اطلاعات مالی نیز می‌شود. تعهد به اجتناب از مداخله به‌ویژه برای اشخاصی که در اجرای وظایف حرفه‌ای، به اطلاعاتی در مورد دیگران دست می‌یابند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. نهادهای حقوقی نیز بر اساس این ماده، مورد حمایت قرار می‌گیرند. طبق ماده ۲۸، تعهدات بانک‌ها در برابر مشتریان بر اساس نوع اطلاعات تحصیل شده و ماهیت ارتباط با مشتری تعیین می‌شود. اطلاعات مرتبط با امور اقتصادی اشخاص همیشه خصوصی انگاشته می‌شوند. در واقع، در نظام حقوقی سوئیس فرض بر این است که بانکداران از همان درجه اطمینان که مردم به روحانیون دارند، برخوردارند. طبق ماده ۲۸، چنانچه اطلاعات محرمانه مورد تهدید یا تجاوز قرار گیرد، مشتری می‌تواند از قاضی، ممنوعیت بانک از انتشار اطلاعات را تقاضا کند. به‌علاوه، ماده ۲۷ قانون مدنی، اختیار اقامه دعوی علیه بانک برای جبران خسارات بر اساس مواد ۴۱ و ۴۹ قانون تجارت سوئیس را می‌دهد. قانون تجارت به‌طور مستقیم به وظیفه محرمانگی بانک‌ها اشاره نمی‌کند، اما مبانی حقوقی برای تعهد بانک‌ها به حفظ اسرار مشتریان در شروط قراردادی را فراهم کرده است. وظیفه محرمانگی بانک‌ها از روابط قراردادی بین بانک و مشتریان استخراج می‌شود. این نوع قرارداد، در مواد ۳۹۴ الی ۴۰۶ قانون تجارت آمده است. همچنین، وظیفه محرمانگی در ارتباط با رابطه حقوقی نماینده و اصیل در ارائه خدمت یا مدیریت تراکنش‌ها، از ترکیب مواد ۳۹۴ و ۳۹۸ قانون تجارت قابل استنباط است (Grassi, 1995, pp. 337-338).

ماده ۴۷ قانون بانکداری سوئیس در سال ۱۹۷۰ اصلاح شد و اکنون به‌طور انحصاری به مجازات نقض اسرار بانکی می‌پردازد. شروط این ماده از قرار زیر است.

۱. هرکسی رازی را که در اختیار او قرار داده شده است یا به‌عنوان یک مقام رسمی، کارمند،

نماینده یا عضو کمیسیون یک بانک یا کارمند و مقام رسمی یک شرکت حسابرسی، از این راز دانشی را کسب کرده است، آن را افشا یا دیگری را به نقض رازداری حرفه‌ای ترغیب کند، باید به مجازات زندان تا ۶ ماه یا جریمه نقدی تا ۵۰۰ هزار فرانک محکوم شود.

۲. اگر عمل ارتكابی از روی سهل‌انگاری و بی‌احتیاطی باشد، جریمه‌ای تا ۳۰ هزار فرانک به همراه خواهد داشت.

۳. نقض اسرار حرفه‌ای تا بعد از اتمام روابط حرفه‌ای و رسمی نیز قابل مجازات خواهد بود.

۴. شروط و ترتیبات استانی و فدرال به‌منظور شهادت یا ارائه اطلاعات به مقامات رسمی از این قاعده مستثناست.

اصلاحیه ۱۹۷۰، دامنه اشخاص موضوع ماده ۴۷ را به اشخاص دیگری هم تعمیم می‌دهد؛ به‌گونه‌ای که اعضا و مقامات رسمی کمیسیون‌های بانکی در معرض مجازات سنگین‌تر قرار می‌گیرند (Meier, 1973, pp. 18-19).

ماده ۴۷ قانون فدرال سوئیس، افشای هرگونه اطلاعات توسط هر شخص در رابطه او با بانک را جرم می‌پندارد. تعهد محرمانگی، همه ارتباطات بین بانک و مشتری را فارغ از اینکه چقدر محتوای آن بی‌اهمیت باشد، پوشش می‌دهد؛ خواه آن شخص، مشتری بالقوه بانک یا اینکه مشتری موقت یا دائم باشد. هیچ فرقی بین مشتری سوئیسی و خارجی و نیز مشتری مقیم و غیرمقیم نمی‌گذارد و از نظر سرزمینی محدود نمی‌شود. به‌طور یکسان در مورد تراکنش‌های تجاری انجام‌شده توسط بانک با مشتری در سوئیس یا خارج از سوئیس عمل می‌شود و چنانچه شخص، دیگر مشتری بانک نباشد، این تعهد متوقف نمی‌شود (Chaikin, 2005, p. 98).

در ماده ۲۷۳ قانون مجازات سوئیس نیز به مجازات افشای اسرار تجاری اشاره شده است. در این ماده آمده است «هر شخصی که یک راز تولیدی یا تجاری را به دست می‌آورد، اگر آن را در دسترس یک آژانس رسمی خارجی، سازمان خارجی، شرکت خصوصی یا عوامل هریک از این‌ها قرار دهد، مستوجب مجازات حبس تا سه سال یا مجازات نقدی یا در مواردی به مجازات حبس بیش از یک سال محکوم می‌شود. هر مجازات حبس ممکن است با جریمه نقدی همراه باشد». بدیهی است با توجه به کلی بودن ادبیات این ماده، افشای اطلاعات و اسرار بانکی مشتریان نیز جرم است و بانکداران نیز در صورت افشای غیرمجاز اسرار تجاری و اطلاعات مشتریان، مشمول مجازات ذکرشده می‌شوند.

همچنین، ماده ۴۹ قانون بانک ملی سوئیس^۱ در باب رازداری بیان می‌دارد «۱. اعضای ارکان بانک، کارکنان و عوامل بانک ملی باید متعهد به اسرار حرفه‌ای و رسمی باشند. ۲. اسرار رسمی و حرفه‌ای باید حتی پس از اتمام رابطه کاری اعضای ارکان، کارکنان و عوامل بانک ملی حفظ شود. ۳. هرکسی که اسرار حرفه‌ای و رسمی را نقض کند، مستوجب مجازات حبس یا جریمه نقدی است. ۴. هرکسی که رازی را به‌موجب موافقت کتبی مقام بالاتر افشا کند، مستوجب پیگرد قانونی نیست».

لازم به ذکر است قانون حفاظت از داده‌های فدرال^۲ سوئیس (مصوب ۱۹۹۲) نیز به وظیفه محرمانگی داده‌های خصوصی اشخاص و اجتناب از افشای غیرمجاز آن تأکید دارد. طبق این قانون، داده‌های مشتریان برای اهداف مشخص و قانونی، جمع‌آوری و پردازش می‌شوند. بانک‌ها ملزم به پیاده‌سازی تدابیر فنی و سازمانی لازم (مانند رمزنگاری، کنترل دسترسی و نظارت مستمر) برای جلوگیری از نقض داده‌ها هستند و در صورت انتقال داده‌ها به خارج از سوئیس، باید تضمین‌های کافی (مانند قراردادهای استاندارد) وجود داشته باشد. مقام حفاظت از داده‌های فدرال^۳ سوئیس، بر اجرای این قانون نظارت دارد و در صورت تخلف، جریمه‌های سنگین اعمال می‌شود و پیگیری‌های قانونی لازم صورت می‌پذیرد. در سوئیس، مقرراتی با عنوان فینما^۴ وضع شده که اصول مدیریت ریسک در ارتباط با محرمانگی اطلاعات مشتری را تبیین کرده است. طبق این مقررات، ریسک‌های مربوط به این اطلاعات باید به‌طور مرتب شناسایی، مدیریت و کنترل شوند. همچنین، استانداردهای امنیتی زیرساخت‌ها و فناوری‌های نوین اطلاعاتی و سطح دسترسی کارمندان به اطلاعات محرمانه و نحوه گزینش این افراد تعریف شده است. این در حالی است که در ایران با چنین شرایط سخت‌گیرانه‌ای مواجه نیستیم و استانداردهای حفاظت اطلاعات مشتریان در شبکه بانکی، محدود به کلیات مندرج در قوانین و مقررات موردی است.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، کارکنان و مقامات بانک ملی سوئیس نیز مانند بانک مرکزی

1. Swiss National Bank

2. Federal Act on Data Protection (FADP)

3. Federal Data Protection and Information Commissioner (FDPIC)

4. FINMA Circular 2008/21 Operational Risks-Banks.

ایران موظف به حفظ اسرار رسمی و حرفه‌ای هستند و نقض این تکلیف، برایشان مجازات به همراه خواهد داشت، اما نکته جالب توجه اینکه، مجازات مقداری مشخصی برای تخطی از وظیفه رازداری تعیین نشده و در خصوص تکلیف بانک‌ها مبنی بر ارائه اطلاعات به بانک مرکزی این کشور^۱ نیز برخلاف قانون بانک مرکزی ایران حکمی مقرر نشده است. در واقع، بانک‌های سوئیس به‌طور خودکار، اطلاعات مشتریان را به بانک مرکزی این کشور ارائه نمی‌دهند، اما تحت شرایط خاص (مانند امور نظارتی، گزارش‌های مبارزه با پول‌شویی یا تبادل اطلاعات بین‌المللی)، ممکن است اطلاعات محدودی را در اختیار مقامات ذی‌صلاح قرار دهند. این در حالی است که طبق مواد ۲۲۳ و ۲۶۲ قانون بانک مرکزی ایران مصوب ۱۴۰۲، بانک‌ها مکلف به ارائه اطلاعات درخواستی بانک مرکزی هستند و تخطی از این وظیفه مستوجب مجازات خواهد بود، اما به لحاظ موضوعی، علاوه بر قوانین مدنی، تجاری و جزا، قانون بانکداری سوئیس برخلاف قوانین بانکی

1. SNB

۲. ماده ۲۳ قانون بانک مرکزی مصوب ۱۴۰۲ در باب رسیدگی به تخلفات اشخاص تحت نظارت اشعار می‌دارد «انجام موارد زیر از سوی اشخاص تحت نظارت یا سهام‌داران مؤثر و مدیران آن‌ها تخلف محسوب می‌شود. معاون تنظیم‌گری و نظارت در مقام دادستان انتظامی بانک مرکزی موظف است در صورت مشاهده هریک از تخلفات، اعمال تنبیهات مذکور در بند ب این ماده را از هیئت انتظامی درخواست کند: ... ۸. خودداری از ارائه اطلاعات در مواردی که شخص تحت نظارت، مکلف به ارائه آن بوده و خودداری از آن به موجب قانون، تخلف محسوب شده باشد...». این بخش از ماده ۲۳، فارغ از نحوه نگارش و عدم اشاره صریح به قانون مورد نظر، خودداری از ارائه اطلاعات به بانک مرکزی را تخلف و مستوجب مجازات انتظامی مقرر در بند ب همین ماده می‌داند. لذا به نظر می‌رسد بانک‌ها و همه اشخاص تحت نظارت بانک مرکزی تعریف‌شده در این قانون، مکلف به ارائه اطلاعات درخواستی بانک مرکزی هستند و در صورت تخلف از این حکم مجازات می‌شوند. بدیهی است اطلاعات و اسرار مشتریان بانکی نیز مشمول این حکم است.

۳. بند ب ماده ۶۲ قانون بانک مرکزی مصوب ۱۴۰۲ در باب سایر مقررات بیان می‌دارد «اشخاص تحت نظارت موظف‌اند اطلاعات مورد درخواست بانک مرکزی را در چهارچوبی که بانک مرکزی تعیین می‌کند، در اختیار آن بانک قرار دهند. هریک از اعضای هیئت‌مدیره و هیئت عامل شخص تحت نظارت که از ارائه مورد درخواست بانک مرکزی خودداری کند، از مسئولیت عزل و به مجازات حداکثر یک سال حبس محکوم خواهد شد». همان‌طور که از مفاد این بند از ماده ۶۲ قابل استخراج است، اشخاص تحت نظارت بانک مرکزی از جمله بانک‌ها و مؤسسات اعتباری، صرافی‌ها، لیزینگ‌ها و... موظف به ارائه اطلاعات درخواستی بانک مرکزی شامل اطلاعات و اسرار مربوط به مشتریان خود هستند و در صورت استنکاف از اجرای این حکم، علاوه بر عزل، به مجازات حبس محکوم می‌شوند. بنابراین، افشای اطلاعات مشتریان برای بانک مرکزی و به دستور آن بانک مجاز و ضروری و تخلف از آن مستوجب مجازات خواهد بود.

ایران، به‌صراحت در خصوص اسرار بانکی سخن گفته و مجازات نقض آن را مشخص کرده است.

۲.۱. ایران

در نظام بانکی ایران نیز به تبعیت از نظام بانکداری دنیا، جلب اعتماد عمومی برای جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی با هدف رشد و توسعه اقتصادی و جلوگیری از خروج سرمایه یکی از مهم‌ترین مبانی رازداری بانکی محسوب می‌شود. تعهد به رازداری نه تنها یک اصل، بلکه مهم‌ترین وظیفه حرفه‌ای یک بانکدار است و نقض آن، آثار جبران‌ناپذیری به همراه خواهد داشت. بدیهی است مسئولیت رازداری بانکی در هیچ نظام حقوقی‌ای، مطلق نیست و متناسب با هنجارهای قانونی و اجتماعی، منافع و نظم عمومی قابل انعطاف خواهد بود. نظام حقوقی ایران نیز از این امر مستثنا نیست و حرمت افشای اسرار غیر تا آنجا که با منافع و مصالح جامعه در تعارض نباشد، لازم و ضروری است. اصل ۴۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز حقوق فردی و اجتماعی را مطلق و بدون قیدوبند به رسمیت نشناخته است و بهره‌برداری از حقوق شخصی را تا جایی که به منافع دیگران و جامعه صدمه نرساند، مجاز می‌داند، اما موضوع رازداری بانکی به دلیل اهمیت و حساسیت و نقش مهمی که در اقتصاد هر کشوری دارد و لزوم حفظ اعتماد به شبکه بانکی، اندکی با سایر موارد متفاوت است. ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۵، در این خصوص اشارات مهمی دارد. به موجب این ماده، تنها اشخاصی مجاز به افشای سر هستند که تکلیف قانونی دارند. لذا بانک و هر نهاد مالی مشابه، تنها پس از طی مراحل قانونی، مجاز به افشای اطلاعات مشتریان (حتی در صورت ارتکاب تخلفات گسترده) است. بنابراین، لزوم رعایت اصل رازداری بانکی، در نظام بانکی ایران پذیرفته شده است.

بند ۱۰ ماده ۱۴ قانون پولی و بانکی مصوب ۱۳۵۱، در باب وظیفه نظارتی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اشعار می‌دارد «رسیدگی به عملیات و حساب‌ها و اسناد و مدارک بانک‌ها و اخذ هرگونه اطلاعات و آمار از بانک‌ها با توجه به لزوم حفظ اسرار حرفه‌ای». همان‌گونه که از

۱. ماده ۶۴۸ اشعار می‌دارد: «اطبا و جراحان و ماماها و داروفروشان و کلیه کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه خود، محرر اسرار می‌شوند، هرگاه در غیر از موارد قانونی، اسرار مردم را افشا کنند، به سه ماه و یک روز تا یک سال حبس و یا به یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شوند».

مفاد این حکم برمی‌آید، صلاحیت بانک مرکزی در اخذ اطلاعات از بانک‌ها یک صلاحیت مطلق است و این بانک، صالح در تحصیل اطلاعات مرتبط با شخص حقوقی بانک و نیز اطلاعات مشتریان بانکی است، اما باید در حفظ و نگهداری این اطلاعات دقت لازم را به عمل آورد و اصول محرمانگی را در خصوص این اسرار حرفه‌ای (اسراری که به موجب این صلاحیت قانونی در ارتباط با مشتریان بانکی تحصیل می‌کند) رعایت کند. لازم به ذکر است که این ماده از قانون پولی و بانکی کشور با تصویب قانون بانک مرکزی در سال ۱۴۰۲، منسوخ اعلام شد.

همچنین، بند «و» ماده ۱۸ همین قانون در باب وظایف شورای پول و اعتبار^۱ اشعار می‌دارد «اعضای شورا و اشخاصی که جهت مشورت دعوت می‌شوند، موظف به حفظ اطلاعات و اسرار شورا می‌باشند مگر در مواردی که قانوناً مکلف به اظهار اطلاع یا ادای شهادت باشند».

حکم مندرج در این بند نیز حاکی از اهمیت و لزوم حفظ اسرار حرفه‌ای بانکی و خودداری از افشا مگر در موارد قانونی توسط اعضای محترم شورای پول و اعتبار است. بدیهی است اطلاعات و اسرار نزد این شورا می‌تواند اسرار مرتبط با مشتریان شبکه بانکی باشد. بنابراین، کارکنان شبکه بانکی نیز به طریق اولی مکلف به حفظ اسرار حرفه‌ای و اطلاعات بانکی مرتبط با مشتریان هستند، اما این موضوع صرف‌نظر از کیفیت و سطح محرمانگی و اسرار بانکی و طریق اجرا، به صراحت در قانون پولی و بانکی کشور درج نشده است. لازم به ذکر است این بند از ماده ۱۸ قانون اخیرالذکر، نسخ نشده است.

از سوی دیگر، قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب ۱۳۶۲ به عنوان مهم‌ترین قانون بانکداری ایران، هیچ اشاره‌ای به وظیفه محرمانگی و رازداری بانک‌ها و کارکنان آن‌ها نکرده است. ماده ۱۱ قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۴۰۲، در باب قواعد افشا و

۱. در قانون جدید بانک مرکزی به هیئت عالی بانک مرکزی تغییر نام داده است.

۲. ماده ۱۱: «الف. اصل در مذاکرات و مصوبات هیئت عالی و سایر ارکان بانک مرکزی، غیرمحرمانه بودن و انتشار عمومی آن‌هاست. بانک مرکزی موظف است مشروح مذاکرات و مصوبات هیئت عالی را نهایتاً تا ده روز کاری پس از برگزاری جلسه، از طریق پایگاه اطلاع‌رسانی خود منتشر کند.

ب. موارد زیر از انتشار عمومی مستثنا هستند.

- موضوعات مؤثر بر امنیت ملی و اسرار حاکمیتی.

- اطلاعاتی که افشای آن‌ها مصداق نقض حریم خصوصی یا اسرار تجاری اشخاص حقیقی یا حقوقی باشد.

محرمانگی جلسات هیئت عالی بانک مرکزی، اصل را بر غیرمحرمانه بودن و انتشار عمومی مذاکرات و مصوبات هیئت عالی و سایر ارکان آن بانک دانسته است و تنها موضوعات مؤثر بر امنیت ملی و اسرار حاکمیتی، اطلاعات مرتبط با حریم خصوصی یا اسرار تجاری اشخاص و مذاکرات و تصمیمات قابل سوءاستفاده پیش از نهایی شدن را مستثنا از این اصل کرده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، این ماده از قانون بانک مرکزی، اصل را بر غیرمحرمانه بودن اطلاعات گذاشته است مگر در موارد خاصی که به آن اشاره شده است. لذا اسرار تجاری مشتریان شبکه بانکی که از آن به عنوان اسرار بانکی نام می‌بریم، از مصادیق اطلاعاتی است که باید از افشای آن خودداری شود، اما وظیفه خودداری از افشا طبق این ماده ناظر بر اعضای هیئت عالی بانک مرکزی است و بانک‌ها و فعالین بازار پول و همچنین، کارکنان آن‌ها را شامل نمی‌شود. نکته دیگر مستتر در این ماده، دستورالعمل مربوط به قواعد محرمانگی است که صرف‌نظر از ایراداتی که می‌شود بر مرجع تعیینی برای تصویب آن مطرح کرد، تشخیص موارد محرمانه را بر عهده رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران گذاشته است که مبنای منطقی و استواری برای حفظ محرمانگی و پایبندی به اصل رازداری به نظر نمی‌رسد. سرانجام در بند ت، وظیفه عدم افشای اطلاعات محرمانه مرتبط با بانک مرکزی، دولت و اشخاص تحت نظارت (شامل بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی) بر عهده کارکنان و کارگزاران و اعضای ارکان بانک مرکزی و سایر اشخاص مطلع گذاشته است. با عنایت به جایگاه این بند قانونی و قرار گرفتن در ذیل ماده ۱۱ که مرتبط با وظایف و تکالیف هیئت عالی است، در تفسیری مضیق می‌توان عبارت «سایر اشخاص مطلع» را به اشخاص مطلع در جلسات هیئت عالی بانک مرکزی یا مرتبط با این جلسات ربط داد،

– مذاکرات و تصمیماتی که انتشار آن‌ها قبل از نهایی شدن می‌تواند مورد سوءاستفاده قرار بگیرد.

ب. دستورالعمل مربوط به قواعد محرمانگی در بانک مرکزی مشتمل بر نحوه انتشار مذاکرات و مصوبات و شرایط و زمان‌بندی خروج مصوبات محرمانه از قید محرمانگی، به پیشنهاد هیئت عالی به تصویب مجمع عمومی بانک مرکزی رسیده و بر روی پایگاه اطلاع‌رسانی بانک مرکزی قرار می‌گیرد. تشخیص موارد محرمانه و غیرقابل انتشار در چهارچوب دستورالعمل مذکور با رئیس کل است.

ت. اعضای ارکان و کارکنان و کارگزاران بانک مرکزی و سایر اشخاص مطلع نباید اطلاعات محرمانه دولت، بانک مرکزی و اشخاص تحت نظارت را جز به موجب قانون یا حکم دادگاه افشا کنند».

اما در تفسیر موسع می‌توان به همه کارکنان شبکه بانکی سرایت داد و آن‌ها را نیز مشمول این حکم دانست. به نظر می‌رسد قواعد محرمانگی مندرج در این ماده و دستورالعمل مورد اشاره، صرفاً ناظر به مصوبات و جلسات هیئت عالی بانک مرکزی باشد. در غیر این صورت ضمن خروج موضوعی، از قاعده کلی و صحیح قانون‌گذاری تبعیت نشده است؛ البته در جزء ۱ بند ح ماده ۷ قانون بانک مرکزی، اشاره به امانت‌داری به‌عنوان یکی از شروط صلاحیت عمومی برخی از اعضای هیئت عالی بانک مرکزی شده که صرف‌نظر از اینکه امری بدیهی و قابل تسری به همه اعضای این هیئت است و تأکید بر لزوم این شرط صرفاً برای برخی از آنان، می‌تواند محل اشکال باشد، یک نوع ضمانت اجرای پیشینی برای نقض وظیفه محرمانگی محسوب می‌شود.

در میان سایر قوانین، طبق بند ب ماده ۱ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۸۷، اطلاعات بانکی اشخاص نظیر شماره حساب، آدرس محل سکونت و... جزو اطلاعات شخصی طبقه‌بندی می‌شود و طبق ماده ۶ همین قانون، درخواست دسترسی به اطلاعات شخصی تنها از اشخاص حقیقی که اطلاعات مربوط به آن‌هاست یا نماینده قانونی آن‌ها پذیرفته می‌شود. ماده ۱۴ این قانون نیز بر عدم امکان دسترسی به اطلاعات مربوط به حریم خصوصی اشخاص تأکید می‌کند. همچنین، ماده ۱۵، تأکید بر خودداری از افشای اطلاعات شخصی می‌کند مگر در مواردی که شخص به‌نحو صریح و مکتوب بر افشای اطلاعات راجع به خود رضایت داده است یا شخص متقاضی، ولی، قیم یا وکیل در حدود اختیارات خود باشد یا متقاضی، یکی از مؤسسات عمومی باشد و اطلاعات درخواستی در چهارچوب قانون، مستقیماً مرتبط با وظایف آن مؤسسه باشد (مانند سازمان بازرسی کل کشور). در همین راستا، ماده ۱۶، امتناع از ارائه اطلاعات شخصی را در مواردی که جان یا سلامت افراد را به خطر می‌اندازد یا متضمن ورود خسارت مالی یا تجاری است، تجویز می‌کند و در ماده ۲۱، امکان مطالبه خسارات وارده را بر مبنای قواعد عمومی مسئولیت مدنی، برای زیان‌دیده امکان‌پذیر می‌داند. از آنجاکه طبق بند پ ماده ۵ آیین‌نامه اجرایی ماده ۸ همین قانون مصوب ۱۴۰۰/۳/۲۳ هیأت وزیران، بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری خصوصی مشمول این قانون هستند، رعایت موارد پیش‌گفته در خصوص آن‌ها نیز الزامی است. درنتیجه، یکی دیگر از قوانینی که به‌طور غیرمستقیم بر اصل محرمانگی و رازداری بانکی اشاره دارد، قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات است که می‌توان چنین استنباط کرد که ارائه اطلاعات مشتریان بانکی به اشخاصی غیر از اصیل یا نماینده قانونی وی، صرفاً بر اساس قانون یا

به موجب حکم یا دستور قضایی امکان‌پذیر است.

بنابراین، با مرور قوانین اصلی بانکداری در ایران مشخص شد که ماده قانونی مشخصی در ارتباط با وظیفه رازداری و لزوم حفظ اسرار حرفه‌ای توسط کارکنان شبکه بانکی در این قوانین پیش‌بینی نشده است. از سوی دیگر، در مواردی هم که وظیفه حفظ محرمانگی بر عهده اعضای شورای پول و اعتبار (هیئت عالی بانک مرکزی) و اشخاص مطلع گذاشته شده است، ضمانت اجرایی برای نقض این وظیفه و افشای غیرمجاز اطلاعات مشمول محرمانگی پیش‌بینی نشده و صرفاً ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی، برای افشای غیرمجاز اسرار حرفه‌ای (بدون اشاره به نام بانک یا حرفه بانکداری)، مجازات حبس و جریمه نقدی تعیین کرده است^۱؛ البته ماده ۶۴ قانون تجارت الکترونیک مصوب ۱۳۸۲، در باب حمایت از اسرار تجاری بدون اشاره به نام بانک یا مؤسسه مالی (صرف‌نظر از اینکه الزاماً همه اطلاعات بانکی در دامنه اسرار تجاری نیستند)، تحصیل غیرقانونی اسرار تجاری و اقتصادی بنگاه‌ها و مؤسسات برای خود یا افشای آن برای اشخاص ثالث را در محیط الکترونیکی، جرم و مستوجب مجازات مقرر در این قانون (حبس از شش ماه تا دو سال و نیم و جزای نقدی معادل ۵۰ میلیون ریال) می‌داند. این در حالی است که به موجب ماده ۴۷ قانون بانکداری فدرال سوئیس به‌عنوان قانون خاص، نقض اسرار بانکی به‌صراحت جرم‌انگاری شده است.

۲. چالش‌های حفظ اسرار بانکی

بانک‌های سوئیس بهای گزافی برای پایبندی به اصول رازداری بانکی پرداخته‌اند. مناقشات مربوط به رازداری بانکی نیز اثر مخربی بر تصور عمومی از سوئیس داشته است. رازداری بانکی در سوئیس، یک رویه بسیار بحث‌برانگیز از سوی جامعه بین‌الملل است، اما هنوز هم اساس نظام مالی سوئیس را تشکیل می‌دهد و به‌شدت مورد توجه شهروندان سوئیسی است که به نقش تاریخی که

۱. این ماده در مورد مشاغل کلی است و شامل مشاغل دولتی و غیردولتی می‌شود. بر همین اساس، مأمورین دولتی که به مناسبت شغل خود به پاره‌ای از اسرار افراد دست می‌یابند، حق ندارند اولاً، خارج از محدوده‌ای که مرتبط با موضوع کاری و ضرورت‌های قانونی است، کسب اطلاع کنند و ثانیاً، حق ندارند از مطالب تحصیل‌شده خارج از محدوده حرفه‌ای لازم بهره‌برداری کنند (محسنی، ۱۳۹۴، ص. ۴۲۳).

کشورشان در حمایت از حقوق فردی در مقابل دولت‌های قدرتمند به عهده داشته است، افتخار می‌کنند. طبق ریشه‌های قانون مدنی، قانون مجازات و قانون بانکداری، مفهوم رازداری بانکی برای تشویق رفتار غیرقانونی طراحی نشده است، اما بدون شک در تسهیل چنین اقداماتی در میان اتباع خارجی نقش داشته است. امروزه سوئیس هنوز هم به‌عنوان بزرگ‌ترین مرکز مالی فرامرزی دنیا با ۲/۳ تریلیون دلار دارایی تحت مدیریت، در حال مبارزه برای دفاع از ارزش‌های اساسی فرهنگ بانکی‌اش است، اما هم‌زمان، ناگزیر از تسلیم در برابر فشار بین‌المللی و به‌ویژه ایالات متحده و اجرای مقررات مختلف داخلی و بین‌المللی است که محدودیت‌هایی بر عملکرد رازداری بانکی تحمیل می‌کند. اجرای تدریجی این مقررات و معاهدات دوجانبه، سیستم بانکی سوئیس را همان‌طور که به آرامی به سمت استانداردهای حاکم در بازارهای مالی غرب پیش می‌رود، تحت تأثیر قرار خواهد داد؛ اگرچه اتفاقات دهه ۱۹۹۰ و ۱۰ سال گذشته (سال‌های ۲۰۰۵ الی ۲۰۱۵) درنهایت، منجر به تغییرات معناداری در رازداری بانکی و کل سیستم مالی سوئیس خواهد شد که باید دیده شود (Pruska, 2015, p.55). با توسعه روزافزون فناوری اطلاعات، ابزارها و روش‌های تهاجمی نیز به سرعت گسترش یافته و میزان سوءاستفاده از اطلاعات مشتریان بیشتر شده است. لذا بانک‌ها علاوه بر وظیفه منع افشای اطلاعات مشتری، وظیفه حراست از حریم خصوصی اطلاعاتی مشتری را نیز بر عهده دارند (جمالی و زارع، ۱۳۹۰، ص. ۳۰۳). هر رویدادی می‌تواند به عنصر اعتماد ضربه بزند ازجمله سرقت اطلاعات مشتریان شرکت «کپیتال وان فایننشال»^۱ که در شبکه کامپیوتری شرکت «آمازون»^۲ ذخیره و نگهداری می‌شوند. وقوع مواردی از این نوع می‌تواند به اعتماد سرمایه‌گذاران آسیب برساند و موجب تغییرات مهمی در تخصیص دارایی‌ها در درون بازار مالی شود (وسنت، ۱۴۰۱، ص. ۴۱). بدیهی است بروز چنین اتفاقی در شبکه بانکی، به طریق اولی، آسیب‌ها و چالش‌های جدی به همراه خواهد داشت و موجب خروج سرمایه و افزایش فعالیت‌های زیرزمینی خواهد شد. از سوی دیگر، بانک به‌عنوان یک شرکت سهامی، مکلف به رعایت اصول حاکمیت شرکتی و استانداردهای بین‌المللی است.

1. Capital One Financial

2. Amazon

حاکمیت شرکتی^۱ در بانک به معنی مجموعه روابط میان مدیران، تصمیم‌گیران، سهام‌داران و اشخاصی است که ساختار و اهداف بانک را تعیین و ابزارهای دستیابی به این اهداف را مشخص می‌کنند و بر فعالیت‌های مربوط، نظارت صورت می‌گیرد. اصول ارتقای حاکمیت شرکتی کمیته بازل^۲ (۲۰۱۰) در اصل ۱۲، در خصوص شفافیت و افشای اطلاعات که مربوط به سلامت فعالیت و افزایش اعتماد بانکی است، بیان می‌دارد «بدون اینکه به اصول و ملزومات رازداری بانکی لطمه‌ای وارد شود»، بانک‌ها باید اطلاعات مفید مرتبط با حاکمیت شرکتی را برای سهام‌داران، مشتریان و مشارکت‌کنندگان در بازار پول افشا کنند. در واقع، یکی از اصول حاکمیت شرکتی کارا و مفید، شفافیت است که براین اساس، علاوه بر اطلاعات میان بنگاه‌ها (بانک‌ها و نهادهای مالی)، اطلاعات مشتریان آن‌ها نیز باید افشا شود که موضوع رازداری بانکی را با چالش مواجه می‌سازد (باقری و همکاران، ۱۳۹۹، صص. ۴۸۶-۴۸۷). شفافیت و افشای مناسب اطلاعات که موجب کاهش عدم تقارن اطلاعات می‌شود، به عنوان بخش جدایی‌ناپذیر نظام راهبری شرکت‌ها به شمار می‌رود و شرکت‌هایی که شفافیت بیشتری داشته‌اند، بیشتر از سایر شرکت‌های بازار ارزش‌گذاری شده‌اند. به عبارتی، شفافیت منعکس‌کننده میزان آگاهی سرمایه‌گذاران از واقعیت‌های درونی یک شرکت است (تقی نتاج و همکاران، ۱۳۹۷، ص. ۱۳۲). بنابراین، شفافیت، پاسخ‌گویی بیشتر را به همراه خواهد داشت که مطلوب یک نظام حاکمیت شرکتی است. به این معنی که یکی از مهم‌ترین اهداف حاکمیت شرکتی، حفاظت از منافع ذی‌نفعان است، اما جمع بین محرمانگی و رعایت رازداری و افشای اطلاعات ذی‌نفعان، چالش‌برانگیز و گاه دارای تعارضات جدی است. از سویی اصول حاکمیت شرکتی، بانک را مکلف به رعایت شفافیت و پاسخ‌گویی می‌کند و از سوی دیگر، مسئولیت‌پذیری، امانت و انصاف را توصیه می‌کند که مفاهیم نزدیکی به اصل محرمانگی و رازداری بانکی محسوب می‌شوند. در واقع، حاکمیت شرکتی هر دو مفهوم افشا و رازداری را در خود دارد،

1. Corporate Governance

۲. این کمیته که دبیرخانه دائمی آن در شهر بازل سوئیس است، وظیفه تهیه و انتشار اصول پایه در نظارت بانکی کارا و مؤثر و همچنین، مقررات مربوط به کفایت سرمایه را بر عهده دارد و نمایندگان ارشد بانک‌های مرکزی تعدادی از کشورهای گروه ده، هسته مرکزی آن را تشکیل می‌دهند.

اما هنر بانکداران و فعالین این صنعت، یافتن نقطه بهینه برای برقراری تعادل در روابط فی‌مابین بانک با مشتریان و نهادهای ناظر است؛ به‌گونه‌ای که موجب تخطی از مقررات و سلب اعتماد به شبکه بانکی نشود؛ البته بخشی از این مسیر باید توسط قانون‌گذاران و تصمیم‌سازان اصلی مانند بانک مرکزی، طراحی و برای اجرا به فعالین این حوزه ابلاغ شود. اصول حاکمیت شرکتی با توجه به اسناد بین‌المللی، تقریباً در همه کشورهای تابع نظام بانکداری بین‌الملل (ازجمله ایران و سوئیس) یکسان است و مبانی مشترکی دارد. بنابراین، به نظر می‌رسد رعایت دقیق اصول حاکمیت شرکتی یکی از موانع حفظ اسرار و رازداری بانکی است که بانکداران را در سراسر دنیا با چالش‌هایی مواجه ساخته است.

۱.۲. تعارض بین حریم خصوصی و منافع عمومی و نظارت دولتی

تعهد بانک به حفظ اسرار بانکی در هیچ نظام حقوقی‌ای مطلق نیست و با توجه به نظم اجتماعی و منافع حاکمیتی، به‌موجب قانون، با درجات متفاوت و متغیر قابل تخصیص است. اصل ۴۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز حقوق فردی و اجتماعی را به‌طور مطلق و بدون حدوخصر به رسمیت نشناخته است و استفاده از حقوق شخصی را تا جایی محترم می‌شمارد که به حقوق و منافع سایرین و جامعه آسیب نرساند. باوجوداین، باید حرمت افراد حفظ شود و در افشای اسرار، مراقبت و دقت ویژه‌ای صورت پذیرد تا منجر به سلب اطمینان عمومی نشود (قنبری و همکاران، ۱۴۰۲، ص. ۲۰۵). موضوع تعارض بین حریم خصوصی و منافع و مصلحت عمومی جامعه یکی از چالش‌های اساسی در حقوق، اقتصاد و اخلاق است. از سویی رازداری بانکی بخشی از حریم خصوصی اشخاص و بانک‌ها و مؤسسات اعتباری است و از سوی دیگر، دولت‌ها و به‌طور خاص، نهادهای نظارتی، به دلایل مختلفی نظیر مبارزه با پول‌شویی، مقابله با فرار مالیاتی، تأمین امنیت ملی یا حفظ منافع عمومی، خواستار دسترسی به اطلاعات مالی افراد و نهادها هستند^۱. این تعارض و رفتار بانک‌ها در این حوزه، همواره چالش‌هایی به همراه داشته و موجبات سلب اعتماد

۱. یک از ناقضین اصلی حریم خصوصی، دولت است. منظور، دولت به معنای عام و اشخاص عمومی است. لذا شامل همه وزارتخانه‌ها، سازمان‌های وابسته، نهادهای دولتی، مراجع قضایی، اداری و نظایر آن است. نقض حریم خصوصی توسط دولت ممکن است برای اهداف عمومی و مطلوب اجتماعی یا اهداف دیگری برخاسته از اقتدارگرایی و تحت عنوان‌های اجتماعی ازجمله ضرورت‌های امنیتی و غیره صورت پذیرد (محسنی، ۱۳۹۴، ص. ۲۰۶).

به شبکه بانکی، اختلافات فی‌مابین مشتریان و بانک‌ها و تحمیل ریسک‌هایی به شبکه بانکی یا دولت‌ها را فراهم کرده است. در این راستا، خطر سوءاستفاده دولت‌ها یا نهادهای نظارتی از اطلاعات مالی شهروندان برای اهداف سیاسی یا محدود کردن آزادی‌های مشروع و دشواری نظارت بر حریم دیجیتال و ابزارهای بانکداری نوین به‌عنوان چالش‌های پیش رو، نیازمند تدبیر و چاره‌اندیشی است. لذا برای حل و کاهش این چالش، باید پایبندی به اصول رازداری با لحاظ استثنائات قانونی برای افشای اطلاعات مشتریان، تدوین و یا اصلاح قوانین برای حفظ منافع دولت و مردم و بهره‌گیری از فناوری‌های امنیتی و سیستم‌های نظارت هوشمند، در دستور کار دولتمردان و قانون‌گذاران قرار گیرد.

۲.۲. فقدان ضمانت اجرای کافی برای افشای غیرمجاز

فقدان ضمانت اجرای مناسب و کافی برای افشای غیرمجاز اسرار بانکی یکی از چالش‌های اساسی در حفظ اسرار بانکی و حریم خصوصی مشتریان در ایران است. برای حفظ اسرار بانکی، قوانین متعددی وجود دارد، اما ضعف در اجرا و فقدان جرائم بازدارنده یا عدم نظارت مؤثر می‌تواند منجر به نقض اساسی این اصل شود. نقص در قوانین موجود و ابهام در تعریف جرم (افشای غیرقانونی، فروش داده‌ها یا دسترسی غیرمجاز)، جرم‌انگاری سبک، گستردگی استثنائات، ضعف در نظارت و پیگرد قانونی، ضعف نهادهای نظارتی متولی، فساد اداری (دریافت رشوه در مقابل افشای اطلاعات محرمانه مشتریان و...) و عوامل فناورانه (استفاده از سیستم‌های امنیتی سنتی، نقض سایبری داده‌ها و...) از مهم‌ترین دلایل این چالش محسوب می‌شوند؛ البته در سوئیس با قانون‌گذاری مناسب، جرم‌انگاری و تعیین ضمانت اجرای حقوقی و کیفری، این چالش تا حد زیادی کنترل شده است.

۳.۲. تحریم‌های بین‌المللی و لزوم افشای اطلاعات برای نهادهای بین‌المللی

تحریم‌های بین‌المللی در حوزه‌های مالی و بانکی به تعارض جدی بین رازداری بانکی و الزامات افشای اطلاعات به نهادهای بین‌المللی می‌انجامد. این تحریم‌ها، بانک‌ها و مؤسسات اعتباری را ملزم به گزارش‌دهی درباره مشتریان تحت تحریم می‌کند. نهادهای بین‌المللی مانند گروه ویژه اقدام

مالی^۱ و دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری ایالات متحده^۲، مجری اجرای این تحریم‌ها هستند. از چالش‌های اساسی افشای اطلاعات مشتریان برای این نهادها می‌توان به تعارض با قوانین داخلی رازداری بانکی، ریسک از دست دادن اعتبار بین‌المللی در صورت عدم همکاری (ایران در لیست سیاه گروه ویژه اقدام مالی قرار گرفته که همکاری با بانک‌های خارجی را با مشکل مواجه ساخته است)، چالش‌های امنیتی و حریم خصوصی برای شهروندان و فشار و تحمیل ریسک‌های مالی و قانونی بر بانک‌های بین‌المللی در صورت عدم همکاری اشاره کرد. ایجاد تعادل بین اصل رازداری و شفافیت (تدوین قوانین و مقررات جامع و شفاف)، تقویت همکاری‌های چندجانبه، توسعه سیستم‌های مالی جایگزین (مانند سیستم سپام^۳ ایران برای جایگزینی سوئیفت در سال ۱۳۹۱ و استفاده از ارزهای دیجیتال ملی و منطقه‌ای) و آموزش و اطلاع‌رسانی به بانک‌ها و مشتریان در مورد تحریم‌ها و نحوه گزارش‌دهی با رعایت اصل رازداری، از راهکارهای مقابله با این چالش محسوب می‌شوند. سوئیس به‌رغم فشارهای بین‌المللی برای تعدیل قوانین محرمانگی، همواره تلاش کرده است بین شفافیت و حفظ حریم خصوصی شهروندان، تعادل برقرار کند تا ضمن حفظ اعتبار بین‌المللی به‌عنوان یک مرکز امن مالی، سرمایه‌های خارجی را نیز جذب کند.

۴.۲. تعارض بین جذب منابع و کسب منفعت و لزوم شفافیت و پاسخ‌گویی

فشار نهادهای بین‌المللی و تأکید بر شفافیت مالی، تعارضی جدی بین منافع بانک‌ها (جذب منابع و کسب سود)، رازداری و شفافیت و پاسخ‌گویی ایجاد کرده است. این تعارض، چالش‌های اخلاقی، حقوقی و عملیاتی متعددی برای بانک‌ها و مؤسسات اعتباری به همراه داشته است. بسیاری از بانک‌های خصوصی بین‌المللی (مانند بانک‌های سوئیسی) با وعده رازداری مطلق، مشتریان ثروتمند و شرکت‌های چندملیتی را جذب می‌کنند. بانک‌ها و مؤسسات اعتباری همواره در تعارض بین جذب منابع و حفظ مشتریان کلیدی و پاسخ‌گویی به نهادهای نظارتی و شفافیت عملکرد مالی،

1. FATF

2. Office of Foreign Asset Control (OFAC)

۳. یک سیستم پیام‌رسان مالی است که توسط بانک مرکزی برای تسهیل و الکترونیکی کردن مبادلات بانکی و ایجاد یک زیرساخت یکپارچه برای خدمات مالی طراحی شده است.

با چالش‌های متعددی از قبیل انواع ریسک‌های مالی و حقوقی (نظیر جرمه نقدی سنگین و لغو یا تعلیق مجوز فعالیت)، کاهش و سلب اعتماد مشتریان (خروج منابع از بانک‌ها) و تضاد اخلاقی در مدیریت بانک‌ها مواجه بوده‌اند. طبقه‌بندی مشتریان بر اساس ریسک، بهره‌گیری از فناوری‌های پیشرفته برای کاهش دامنه نقض حریم خصوصی مشتریان، تقویت چهارچوب‌های قانونی رعایت حریم خصوصی و رازداری، توسعه و ترویج بانکداری اخلاقی از طریق تشریح مزایای عمومی آن و همکاری‌های بانکی بین‌المللی (استانداردسازی فرایندها و عضویت در نهادهای مالی بین‌المللی)، از راهکارهای مقابله با این چالش محسوب می‌شوند.

۵.۲. سلب اعتماد به شبکه بانکی و التهاب سایر بازارها

سلب اعتماد به شبکه بانکی می‌تواند ناشی از افشای مجاز یا غیرمجاز اطلاعات مشتریان باشد. بدیهی است مورد دوم، آثار مخرب بیشتری به همراه خواهد داشت. افشای مجاز اطلاعات بانکی، اگرچه در قالب استثنائات و دارای مبنای قانونی است، اما موجب نارضایتی و سلب اعتماد مشتریان خواهد شد. این بی‌اعتمادی نه تنها موجب کاهش سودآوری شبکه بانکی، بلکه موجب التهاب در سایر بازارها، توسعه معاملات نقدی و اقتصاد زیرزمینی، کاهش اثربخشی سیاست‌های پولی، کاهش رشد اقتصادی و افزایش نرخ تورم خواهد شد. افشای غیرقانونی اسرار بانکی ناشی از فساد اداری یا نفوذ و فشار نهادهای امنیتی و اداری برای دسترسی به اطلاعات مشتریان است که ضمن نقض حریم خصوصی مشتریان، می‌تواند آثار مالی و حقوقی نیز به همراه داشته باشد. شبکه بانکی ایران سال‌ها درگیر این چالش بوده و آثار نامطلوب آن بر اقتصاد ایران سایه افکنده است.

۶.۲. افشای غیرمجاز در فرایند افشای مجاز اسرار بانکی

به دلیل استقرار ناکافی سیستم‌های جامع امنیت اطلاعات در شبکه بانکی کشور، در چرخه افشای قانونی اطلاعات مشتریان، گاه اشخاص غیرمجاز نیز از این اطلاعات آگاهی می‌یابند و امکان سوءاستفاده یا بهره‌برداری غیرمجاز از آن را دارند. برای مثال، از زمانی که درخواست اخذ اطلاعات از سوی یک مرجع صلاحیت‌دار به بانک می‌رسد تا زمانی که اطلاعات درخواستی آماده ارسال به مرجع مذکور می‌شود، نفرات زیادی در جریان این اطلاعات قرار می‌گیرند و با ورود اطلاعات به مرجع درخواست‌کننده نیز ممکن است افراد دیگری به این اطلاعات دسترسی پیدا

کنند. لذا این امر نیز یکی از چالش‌های مهم این حوزه است که با پیاده‌سازی سیستم‌های حرفه‌ای دسترسی به اطلاعات، می‌توان از این چالش عبور کرد. سوئیس با بهره‌مندی از سیستم‌های جامع امنیت و دسترسی به اطلاعات^۱، از این چالش تا حدی عبور کرده است.

۳. چکیده نظر خبرگان

در این تحقیق ضمن بررسی منابع کتابخانه‌ای، به منظور کاربردی‌تر کردن موضوع و ارائه راه‌حل منطقی مبتنی بر تجربه و اصول پذیرفته‌شده عرفی و حقوقی، با جمعی از خبرگان^۲ این حوزه (تعداد بیست شخصیت حقیقی) نظیر مدیران ارشد سابق، اسبق و فعلی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، سازمان امور مالیاتی، سازمان بازرسی کل کشور، دیوان محاسبات کشور، شبکه بانکی و واحد اطلاعات مالی مصاحبه‌هایی ساختاریافته^۳ انجام پذیرفت. بر اساس اظهارات ثبت و ضبط‌شده خبرگان، در ایران، مبنای حقوقی و قانونی خاص مربوط به رازداری بانکی مانند سوئیس وجود ندارد و همواره به برخی قوانین و مقررات پراکنده در این حوزه استناد می‌شود. همچنین، به دلیل فقدان جرم‌انگاری خاص و آموزش‌های تخصصی مرتبط، موضوع رازداری در

۱. ازجمله می‌توان به تصویب قانون حفاظت از داده‌ها، بهره‌گیری از سیستم مدیریت امنیت اطلاعات (ISMS)، مدیریت دسترسی ویژه (PAM) و مثلث امنیت یعنی محرمانگی، جامعیت و دسترسی‌پذیری (CIA) اشاره کرد.

۲. ازجمله می‌توان به مصاحبه با دکتر محمود بهمنی، رئیس‌کل اسبق بانک مرکزی و مشاور کنونی دیوان محاسبات کشور (۱۷ مهر ۱۴۰۴)، دکتر اکبر کمیجانی، قائم‌مقام سابق بانک مرکزی و عضو هیئت‌مدیره کنونی بانک خاورمیانه (۷ مرداد ۱۴۰۴)، دکتر مهران محرمیان، معاون سابق فناوری‌های نوین بانک مرکزی و مشاور کنونی آن بانک (۵ مرداد ۱۴۰۴)، سیدمحمود احمدی، دبیرکل اسبق بانک مرکزی و مشاور کنونی شرکت‌های حوزه پرداخت (۲۷ مرداد ۱۴۰۴)، دکتر عبدالمهدی ارجمندنژاد، مدیرکل حسابرسی و ریسک بانک مرکزی (۶ مرداد ۱۴۰۴)، امیرحسین امین آزاد، مدیرکل اسبق نظارت بر بانک‌های بانک مرکزی و مشاور کنونی بانک خاورمیانه (۵ شهریور ۱۴۰۴)، دکتر سعید توتونچی ملکی، معاون اسبق حقوقی و فنی سازمان امور مالیاتی و عضو کنونی هیئت‌مدیره بانک صنعت و معدن (۲۱ مرداد ۱۴۰۴)، دکتر صمد عزیزنژاد، عضو هیئت‌مدیره بانک ملی ایران (۱۵ مهر ۱۴۰۴) و جعفر حسینی، بازرس کل بانک و بیمه سازمان بازرسی کل کشور (۱۶ شهریور ۱۴۰۴) اشاره کرد.

۳. در این مصاحبه‌ها، پرسش‌هایی در ارتباط با تعریف اسرار بانکی، مبنای حقوقی و عرفی رازداری در شبکه بانکی، چالش‌های حفظ و افشای اسرار بانکی، پوشش زمانی و موضوعی اسرار بانکی، نقش فین‌تک‌ها، تقابل منافع شخصی و مصالح عمومی و پیشنهادها کاربردی برای بهبود شرایط کنونی مطرح و به‌صورت باز پاسخ داده شد که در رساله مرتبط، به‌طور کامل درج و نتیجه‌گیری شده است، اما به دلیل محدودیت‌های نوشتاری در مقاله علمی، از ذکر جزئیات آن خودداری می‌شود.

شبکه بانکی، چندان جدی گرفته نمی‌شود که با عنایت به رشد فناوری‌های نوین بانکی و پیدایش بانکداری نوین، زمینه برای افشای گسترده‌تر اطلاعات بانکی مشتریان را فراهم آورده است.^۱ همه صاحب‌ه‌شوندگان به‌اتفاق آرا، ضمن تأکید بر رازداری به‌عنوان یکی از مهم‌ترین وظایف حرفه‌ای شغل بانکداری، معتقد به نارسایی و عدم جامعیت قوانین موجود در این حوزه بودند و بررسی و پایش قوانین و مقررات مرتبط و تهیه و تدوین یک سند جامع در این حوزه را در کنار آموزش و فرهنگ‌سازی، از نیازهای ضروری و مهم کشور عنوان کردند.

نتیجه‌گیری

همواره در تاریخ بانکداری دنیا، رازداری با هدف جذب سرمایه‌های جامعه و هدایت آن به سمت فعالیت‌های مولد به‌منظور دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی، مورد توجه بانکداران بوده است. دلیل اصلی نام‌گذاری سوئیس به‌عنوان بهشت سرمایه‌گذاری و تبدیل شدن به یکی از مهم‌ترین مراکز سرمایه‌گذاری و مالی دنیا، تعهد به رازداری از سوی بانکداران این کشور است. در این کشور، علاوه بر چهارچوب‌های اجرایی خاص برای دسترسی به اطلاعات مشتریان، موارد افشای آن نیز محدود به قوانین مرتبط با پول‌شویی و فرار مالیاتی و دستورات قضایی است. در ایران نیز مبانی حقوقی رازداری تا حدودی شبیه سوئیس است، اما در اجرا، سخت‌گیری و دقت‌نظر لازم از سوی فعالین شبکه بانکی صورت نمی‌پذیرد و این امر، آثار و تبعات اقتصادی و اجتماعی به همراه داشته است. بدیهی است پایبندی به اصول رازداری با چالش‌هایی نظیر تعارض بین حریم خصوصی مشتریان و منافع عمومی، فقدان ضمانت اجرای کافی، پاسخ‌گویی به مراجع نظارتی داخلی و بین‌المللی، سلب اعتماد از شبکه بانکی و التهاب بازارهای موازی بانکی همراه خواهد بود. همچنین، طبق بررسی‌ها و مطالعه قوانین و مقررات مرتبط با رازداری در ایران و سوئیس مشخص شد که در ایران به‌رغم وجود مبانی حقوقی و عرفی پراکنده در حوزه رازداری، قانون و مقررات خاصی در زمینه رازداری بانکی که به تعریف دقیق رازداری، مصادیق و مرور زمان

۱. انجام عملیات بانکی از طریق شبکه، بارزترین مصداق فعالیت‌های مبتنی بر فناوری نوین است که حریم خصوصی نقش کلیدی در آن ایفا می‌کند و هرگونه خدشه به آن، عرصه تجارت الکترونیک را با شکست مواجه خواهد ساخت (محسنی، ۱۳۹۴، ص. ۲۷۲).

اطلاعات مشمول، ضمانت اجرای نقض وظیفه رازداری، تعیین اطلاعات مشمول افشا و حدود و ثغور اختیارات اشخاص مجاز برای دسترسی به این اطلاعات پرداخته باشد، وجود ندارد. در سوئیس، ماده ۴۷ قانون بانکداری فدرال صرف‌نظر از عدم ارائه تعریفی شفاف از اسرار بانکی، ضمن اشاره به اشخاص مشمول وظیفه رازداری، ضمانت اجرای نقض آن را تعیین می‌کند. همچنین در قانون مجازات، قانون تعهدات تجاری و قانونی مدنی سوئیس، در خصوص موضوع رازداری و تعیین ضمانت اجرای قانونی موادی اختصاص داده شده و قانون حفاظت از داده‌ها نیز تکلیف بانک‌ها را در نگهداری از داده‌های خصوصی مشتریان مشخص کرده است. در ایران، قانون مجازات اسلامی، افشای اسرار حرفه‌ای و قانون تجارت الکترونیک، سوءاستفاده از اسرار تجاری را مستوجب مجازات می‌دانند، اما در خصوص حفاظت از داده‌ها برخلاف سوئیس، هنوز قانونی به تصویب نرسیده است. از سوی دیگر، رازداری بانکی به مفهوم سنتی آن، در حال تحول است و بانک‌ها نمی‌توانند مانند گذشته از اطلاعات مشتریان حفاظت مطلق کنند و این موضوع، آن‌ها را با چالش‌هایی مواجه ساخته است. تحدید اصل محرمانگی و وظیفه رازداری باید در حدود مصالح اجتماعی و نظم عمومی باشد. نقض رازداری بانکی به نفع عموم و به‌منظور کشف و پیشگیری از جرائم نظیر پول‌شویی، فرار مالیاتی و... به نقض حریم خصوصی اطلاعاتی مشتری منجر می‌شود، اما منجر به انتفاع جامعه خواهد شد. لذا جایی که انتفاع جامعه بیش از منفعت شخص باشد، می‌توان در الزامات رازداری بانکی، اندکی انعطاف به خرج داد، اما این مهم باید با ظرافت و دقت نظر خاصی انجام شود تا به بهانه حفظ مصالح عمومی و برقراری نظم و امنیت، حریم خصوصی اطلاعاتی مشتریان مورد تجاوز سهوی یا عمدی مؤسسات مالی و پرسنل آن‌ها قرار نگیرد و موجبات بی‌اعتمادی به شبکه مالی و بانکی و در نتیجه، خروج سرمایه و تحمیل خسارات جبران‌ناپذیر به بدنه اقتصاد را فراهم نسازد. در پایان پیشنهاد می‌شود ضمن آسیب‌شناسی و پایش قوانین و مقررات موجود و احصای نقاط قوت و ضعف آن‌ها، قانونی خاص و سندی جامع با همکاری همه دستگاه‌ها و اشخاص درگیر در این موضوع، تدوین و به شبکه بانکی کشور ابلاغ شود. بدیهی است آموزش و فرهنگ‌سازی در این زمینه نیز مورد تأکید خبرگان امر است. شکل گیری بستر قانونی مناسب و تصریح به عدم افشای اطلاعات به‌عنوان شرطی در قراردادهای معمول بانکی، می‌تواند راهکار خوبی برای ممانعت از افشای اطلاعات و اسرار بانکی باشد.

منابع

- ۱) الهیاری فرد، علی و قلیچ، وهاب (۱۴۰۳). بررسی فقهی و حقوقی محرمانگی و افشای اطلاعات بانکی مشتریان. پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۱۴۰۳۵۸، صص. ۱-۲۱.
- ۲) باقری، محمود، رحمانی، سعید و رحمانی، رؤیا (۱۳۹۹). چالش جمع بین منافع عمومی و حقوق خصوصی در رازداری بانکی. مطالعات حقوق خصوصی، ۵۰ (۳)، صص. ۴۷۵-۴۹۴.
- ۳) تقی نتاج، غلامحسن، بحری ثالث، جمال و قادری، قدرت (۱۳۹۷). تأثیر کیفیت حاکمیت شرکتی بر عملکرد مالی بانک‌ها با تأکید بر نقش تعدیل‌کنندگی کیفیت افشا. مطالعات مالی و بانکداری اسلامی، شماره ۸، صص. ۱۲۷-۱۵۱.
- ۴) جمالی، جعفر و زارع، علی (۱۳۹۰). تعهد بانک‌ها به حفظ اسرار مشتریان و عملیات تبدیل دارایی به اوراق بهادار. راهبرد، ۲۰ (۵۸)، صص. ۳۰۱-۳۲۲.
- ۵) حق رضایی، حامد، میهمی، مهدی و شاهسوندی، اسماعیل (۱۴۰۳). مطالعه تطبیقی قوانین و مقررات ناظر بر رازداری بانکی در حقوق ایران و آمریکا. مطالعات فقه اقتصادی، ۶ (۴)، صص. ۴۴۵-۴۷۰.
- ۶) خدمتگزار، محسن (۱۳۹۱). فلسفه مالکیت فکری. چاپ ۲، تهران: میزان.
- ۷) خورسندیان، محمدعلی، فلاح‌دخت درب قلعه، مریم (۱۳۹۶). تعهد به رازداری بانکی و قلمرو آن در حقوق بانکی ایران. مجله حقوقی دادگستری، ۸۱ (۹۸)، صص. ۳۷-۶۱.
- ۸) رهبری، ابراهیم (۱۳۹۷). حقوق اسرار تجاری. چاپ ۴، تهران: سمت.
- ۹) قنبری، حسین، حاجی‌تبار فیروزجایی، حسن و اسماعیلی، مهدی (۱۴۰۲). چالش‌های فراروی بانک‌ها و مؤسسات مالی در جمع اصل رازداری بانکی و لزوم گزارش‌دهی موارد مشکوک به پول‌شویی و فرار مالیاتی. مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، ۵۳ (۲)، صص. ۱۸۸-۲۱۱.
- ۱۰) محسنی، فرید (۱۳۹۴). حریم خصوصی اطلاعات. چاپ ۲، تهران: دانشگاه امام‌صادق (علیه‌السلام).
- ۱۱) نخبه، مریم (۱۴۰۲). بررسی ابعاد و چالش‌های حقوقی صیانت از اسرار بانکی و حفظ اطلاعات مشتریان در نظام حقوقی ایران. تهران: هشتمین کنفرانس بین‌المللی و ملی مطالعات مدیریت، حسابداری و حقوق، صص. ۱-۳۱.
- ۱۲) وسنت، راوال (۱۴۰۱). حاکمیت شرکتی؛ یک راهنمای عملی برای حسابرسان، مدیران، سرمایه‌گذاران و حسابداران (عبدالمهدی ارجمندنژاد، مترجم). تهران: مؤسسه عالی آموزش بانکداری ایران.

- 14) Auer, Raphael, Bome, Rainer, Clark, Jeremy, & Demirag, Didem. (2025). Privacy-enhancing technologies for digital payments: Mapping the landscape. BIS Working Papers, Monetary and Economic Department, No. 1242.
- 15) Chaikin, David. (2005). Policy and fiscal effects of Swiss bank secrecy. *Revenue Law Journal*, 15(1), 90-113.
- 16) Chatzigiannis, Panagiotis, Gu, Catherine Wanyun, Raghuraman, Srinivasan, Rinda, Peter, & Zamani, Mahdi. (2023). Privacy-enhancing technologies for financial data sharing. Visa Research, Palo Alto, CA.
- 17) Dai, Ziyang. (2021). Duty of confidentiality: Still an active duty imposed on the banks. *Academic Journal of Humanities & Social Sciences*, 14(5), 78-81.
- 18) Dunant, Olivier, & Wassmer, Michele. (1988). Swiss bank secrecy: Its limits under Swiss and international laws. *Case Western Reserve Journal of International Law*, 20(2), 540-575.
- 19) European Banking Federation. (2004, April). Report on banking secrecy. Brussels.
- 20) Grassi, Paolo, & Calverese, Daniele. (1995). The duty of confidentiality of banks in Switzerland: Where it stands and where it goes. *Pace International Law Review*, 17(2), 329-372.
- 21) Guex, Sebastian. (2000). The origin of the Swiss banking secrecy law and its repercussions for Swiss federal policies. *The Business History Review*, 74(2), 237-266.
- 22) Meier, H. B., Marthinsen, J. E., Gantenbein, P. A., & Weber, S. S. (2023). Swiss bank (customer) secrecy and the international exchange of information. In *Swiss finance*. Palgrave Macmillan, Cham.
- 23) Meier, Walter. (1973). Banking secrecy in Swiss and international taxation. *International Lawyer*, 7(1), 16-45.
- 24) Mueller, K. (1969). The Swiss banking secret: From a legal view. *International and Comparative Law Quarterly*, 18(2), 360-377.
- 25) Neo, Dora. (2017). A conceptual overview of bank secrecy. Cambridge University Press. 978-1-107-14514-6.
- 26) Pruska, Anna. (2015). U.S.-Swiss relations in the context of Swiss banking secrecy. *Journal of American Studies*, 16, 41-58.
- 27) Stauter, Robert Louis. (1988). Swiss bank secrecy laws and the U.S. Internal Revenue Service: Are the Swiss to blame for tax dollars that the U.S. Internal Revenue Service cannot collect when U.S. citizens hide their money in Swiss banks? *Case Western Reserve Journal of International Law*, 20(2).

References

- 1) Allahyari Fard, Ali, & Qelich, Vahab (1403 SH/2024). Barrasi-e feqhi va hoquqi-e mahramanegi va efsha-ye ettelaat-e banki-e moshtariyan [Jurisprudential and Legal Study of Confidentiality and Disclosure of Customers' Bank Information]. Pajuheshkadeh Pouli va Banki Bank Markazi Jomhouri Eslami Iran [Monetary and Banking Research Institute of the Central Bank of the Islamic Republic of Iran], No. 140358, pp. 1-21 [in Persian].
- 2) Aubert, Maurice. (1984). The limits of Swiss banking secrecy under domestic and international law. *Berkeley Journal of International Law*, 2(2), 273-298.
- 3) Auer, Raphael, Bome, Rainer, Clark, Jeremy, & Demirag, Didem. (2025). Privacy-enhancing technologies for digital payments: Mapping the landscape. BIS Working Papers, Monetary and Economic Department, No. 1242.
- 4) Bagheri, Mahmoud, Rahmani, Saeid, & Rahmani, Roya (1399 SH/2020). Chalesh-e jam-e beyn-e manafe-e omumi va hoquq-e khosusi dar razdari-e banki [The Challenge of Reconciling Public Interests and Private Rights in Bank Secrecy]. *Motaaleat Hoquq Khosusi [Private Law Studies]*, 50(3), pp. 475-494 [in Persian].
- 5) Chaikin, David. (2005). Policy and fiscal effects of Swiss bank secrecy. *Revenue Law Journal*, 15(1), 90-113.
- 6) Chatzigiannis, Panagiotis, Gu, Catherine Wanyun, Raghuraman, Srinivasan, Rinda, Peter, & Zamani, Mahdi. (2023). Privacy-enhancing technologies for financial data sharing. Visa Research, Palo Alto, CA.
- 7) Dai, Ziyang. (2021). Duty of confidentiality: Still an active duty imposed on the banks. *Academic Journal of Humanities & Social Sciences*, 14(5), 78-81.
- 8) Dunant, Olivier, & Wassmer, Michele. (1988). Swiss bank secrecy: Its limits under Swiss and international laws. *Case Western Reserve Journal of International Law*, 20(2), 540-575.
- 9) European Banking Federation. (2004, April). Report on banking secrecy. Brussels.
- 10) Ghanbari, Hossein, Hajitabar Firouzjaei, Hasan, & Esmaeili, Mehdi (1402 SH/2023). Chaleshha-ye fararou-ye bankha va moassasat-e mali dar jam-e asl-e razdari-e banki va lozum-e gozaresh-dehi-e mavared-e mashkuk be pulshuyi va farar-e maliyati [Challenges Facing Banks and Financial Institutions in Combining the Principle of Bank Secrecy and the Need to Report Suspicious Cases of Money Laundering and Tax Evasion]. *Motaaleat Hoquq Keyfari va Jormshenasi [Criminal Law and Criminology Studies]*, 53(2), pp. 188-211 [in Persian].
- 11) Grassi, Paolo, & Calverese, Daniele. (1995). The duty of confidentiality of banks in Switzerland: Where it stands and where it goes. *Pace International Law Review*, 17(2), 329-372.
- 12) Guex, Sebastian. (2000). The origin of the Swiss banking secrecy law and its repercussions for Swiss federal policies. *The Business History Review*, 74(2), 237-266.
- 13) Hagh Rezaei, Hamed, Mihami, Mehdi, & Shahsavandi, Esmaeil (1403

- SH/2024). Motaaleeh-ye tatbiqi-e qavanin va moqarrarat-e nazer bar razdari-e banki dar hoquq-e Iran va Amrika [A Comparative Study of Laws and Regulations Governing Bank Secrecy in Iranian and American Law]. Motaaleat Feqh Eghtesadi [Economic Jurisprudence Studies], 6(4), pp. 445-470 [in Persian].
- 14) Jamali, Jafar, & Zare, Ali (1390 SH/2011). Taahhod-e bankha be hefz-e asrar-e moshtariyan va amaliyat-e tabdil-e darayi be avraq-e bahadar [Banks' Commitment to Keep Customers' Secrets and Asset Securitization Operations]. Rahbord [Strategy], 20(58), pp. 301-322 [in Persian].
 - 15) Khedmatgozar, Mohsen (1391 SH/2012). Falsafeh-ye malekiyat-e fekri [Philosophy of Intellectual Property] (2nd ed.). Tehran: Mizan [in Persian].
 - 16) Khorsandian, Mohammad Ali, & Fallahdokht Darb Ghaleh, Maryam (1396 SH/2017). Taahhod be razdari-e banki va qalamrov-e an dar hoquq-e banki-e Iran [Commitment to Bank Secrecy and its Scope in Iranian Banking Law]. Majaleh Hoquqi Dadgostari [Justice Legal Journal], 81(98), pp. 37-61 [in Persian].
 - 17) Meier, H. B., Marthinsen, J. E., Gantenbein, P. A., & Weber, S. S. (2023). Swiss bank (customer) secrecy and the international exchange of information. In Swiss finance. Palgrave Macmillan, Cham.
 - 18) Meier, Walter. (1973). Banking secrecy in Swiss and international taxation. *International Lawyer*, 7(1), 16-45.
 - 19) Mohseni, Farid (1394 SH/2015). Harim-e khosusi-e ettelaat [Information Privacy] (2nd ed.). Tehran: Imam Sadiq University [in Persian].
 - 20) Mueller, K. (1969). The Swiss banking secret: From a legal view. *International and Comparative Law Quarterly*, 18(2), 360-377.
 - 21) Neo, Dora. (2017). A conceptual overview of bank secrecy. Cambridge University Press. 978-1-107-14514-6.
 - 22) Nokhbeh, Maryam (1402 SH/2023). Barrasi-e abad va chaleshha-ye hoquqi-e siyanat az asrar-e banki va hefz-e ettelaat-e moshtariyan dar nezam-e hoquqi-e Iran [Review of Legal Dimensions and Challenges of Protecting Bank Secrets and Maintaining Customer Information in the Iranian Legal System]. Tehran: 8th International and National Conference on Management, Accounting and Law Studies, pp. 1-31 [in Persian].
 - 23) Pruska, Anna. (2015). U.S.-Swiss relations in the context of Swiss banking secrecy. *Journal of American Studies*, 16, 41-58.
 - 24) Rahbari, Ebrahim (1397 SH/2018). Hoquq-e asrar-e tejari [Trade Secrets Law] (4th ed.). Tehran: SAMT [in Persian].
 - 25) Raval, Vasant (1401 SH/2022). Hakemiyat-e sherkati; yek rahnamaye amali baraye hesabrasan, modiran, sarmayegozan va hesabdaran [Corporate Governance; A Practical Guide for Auditors, Managers, Investors and Accountants] (A. Arjmandnejad, Trans.). Tehran: Iran Higher Education Institute of Banking [in Persian].
 - 26) Stauter, Robert Louis. (1988). Swiss bank secrecy laws and the U.S. Internal Revenue Service: Are the Swiss to blame for tax dollars that the U.S. Internal

Revenue Service cannot collect when U.S. citizens hide their money in Swiss banks? Case Western Reserve Journal of International Law, 20(2).

- 27) Taghi Nataj, Gholamhasan, Bahri Sales, Jamal, & Ghaderi, Ghodrat (1397 SH/2018). Tasir-e keyfiyat-e hakemiyat-e sherkati bar amalkard-e mali-e bankha ba takid bar naqsh-e tadil-konandegi-e keyfiyat-e efsha [The Impact of Corporate Governance Quality on Banks' Financial Performance with Emphasis on the Moderating Role of Disclosure Quality]. Motaaleat Mali va Bankdari Eslami [Islamic Finance and Banking Studies], No. 8, pp. 127-151 [in Persian].





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی